



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

شاه
۲۲۲
سنة

یا مقنن اندامی که از انقضای ایام مدت دنیا که علام الغیبت است عام غریب می شود چنانکه کلام
ربانی که بر آن ناطق است و افراد بسیار دفعه واحده متوجه دار قضا می گردند و مخلوق که ساغر راه عدم گشته اند
که کمان قدم در بزم وجود گذاشته و گویست جو خواهم نوشید پس نظایر کتب و بران و صراط و مهبت و دروغ
حق است و خدای عالم و مظهر بر وقوع آنها خبر داده و احادیث خبر صادق در آن بارید است که
عرضات نامنه ال که در زمان حیات که کرده اند روان می شود و آن روز را روزی که کند که اعمال را با جگر
عرضت می کنند هر که لم بقول بارگاه احدیت شده حال آن را بجهت اخطا می برند

در هر چه مرد و در جناب الهی کثرت صاحبش را روانه سیم می کنند و بعد

سرای در آن روز آشکارا می گردد **طنوی** چون

قیامت روز عرضی است عرض آن خواهد که باری

فرست هر که چون بندی بجهت است

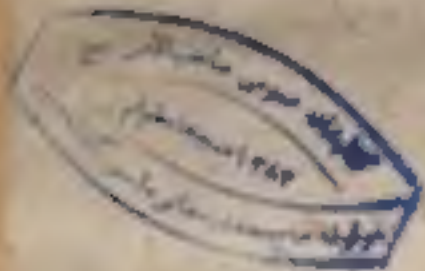
روز عرضی است بوالایت

هر چه پنهان باشد پیا

نور هر که اذعان

بود بر او شود

و صلا



علی محمد و آل الطاهرین بر خیمه اصحاب دانش مخفی دستور نخواهد بود که جاس این اوراق اگر بلاد
و قراء عالم و آفاق را گردیده و بسیار از انقباع دشمن و قیور را دیده بعضی را کلاً اطلاق و اطمینان
بعقوت اسم و رسم و نسب و غنمی ایستاد باریچ ایشان ندانست از قید تحریر بر انداخت و بدو که امام زاده ای
الکود یار بر داشت آنچه در کتب مورخین ثبت ضبط بود

قبلی از کثیر آن بوجه اختصار موزنی گردید تا موجب

تطویل کلام نگشته تا از شرح حال و تاریخ

عموم بزرگان عالم مطلع گردند

ربنا غفر لنا ذنوبنا و کفر غائبنا و توسلنا مع الابرار بحرم الاطهار الاخيار

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي من علينا بدين الاسلام وجنبنا عبادة الاوثان حمد اسرمد او شكر او اوصيا وهذا نبوة خاتم النبيين وبولاية امير المؤمنين وذرئته المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين **وبعد** جنين كويد غير در سياه و عمار السید محمد باقر عظیم مرتضی باقر حسینی الخال بمغلا آیه شریفه ان الدين عند الله الاسلام یعنی ای لادین عند الله مریضی سواه یعنی پیروی اسلام نبی نیست که خداوند اراد راضی بوده باشد باری و علی با انا الاسلام بوجود مسود سلاطین روی زمین که در بین قوم و عرطه سیم حضرت سید المرسلین است زیرا که بنا بمصدق الناس علی بن ملوک قدرت و حکام سلاطین مسلمان جهان و قوام ملت و دولت ایشان را ابد الاثر طایفه بوده باشیم خصوصا که در سلاطین ایران اشرف دول روی زمین است و سلطان ایشان اهل و اکمل سلاطین است چه حقیقه تشریف بخدی و منهاج شریفه دریه احدی ببرکت وجود محمود آن شاه شاه قدرت در ممالک ایران شایع و ظاهر بلکه از اثر و اثر سلطنت ظاهرش در جمیع ممالک و اقطار ارض فرقه ناجیه اشنی عشریه مبای و سفوح و سحر و مکرند و ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء پس که العیاذ بالله احدی از احاد الناس قوا این دولت طالب باشد هانا طالب هم ساس شریعت سید المرسلین خواهد بود **اما راول و جغرافیای ممالک اسلام بدانکه** علمای جغرافیا در روی کره ارض او این مخلوق را بچهار ربع تقسیم کرده اند ملت تقسیم کرده اند مسلمان عیسوی یهودی مشرک و سحاح عبارت است از آنجا که حضرت

[illegible]

[illegible]

بهشت دوم در شرح شامی

مستقر در زمان قدیم آن ولایت را از یکفند در جزعراق و مشهور فاق بود و یاکه رازوری مرد
 بکولایت بنو عربی را از یکفند اکنون خرابه و در ارضی اش با جدید و احداث کرده اند از قبیل
 دارالخلافه طهران و ملکه حضرت عبدالعظیم و غیره بنا کرده اند بهجده در شات شهری حدیثی از حضرت
 جعفر صادق روایت نموده اند **الری بالقرون والسنه** ملعوناته و مشغولات در وقتیکه
 حیدر از رید ملوک حکومت می را تا نزد عمر بن سعد و قاص نموده لشکر بدشته بقبال حضرت حسین علیه السلام
 کمر طار و عمر بن سعد نزد بود که ایام تکب قبل امام علیه السلام باشد یا نه این ابیات را بر زبان برانند شعر
ان ترک ملک الریح والریح ملقی ام ارجع ما اثمنا قبل حسین و فی قله النار الخ لیس و ظنا
 حجاب و ملک الریح فرقه عینی آخر الامر حجت دنیا و ریات ری براد غایب شده حکومت اخبار از قبل
 حکمران خاتم الانبیاء اختیار نمود چنانکه ناظم نظم آورده شعر ضرب یاد رفت سیمر خاک شام بلحاظ ضرب شد
 بنمای ملک بی پای حال ری مدینه مشهوره بود روزگارش چنان خراب نموده که اکنون جز از خرابه چند
 و آثار و بنده علامتی ندارد و از آن ولایت اصحاب حال در باب کمال بسیار اظهار کرده اند بنحله
 از عرفا می بن سجاد و شیخ یوسف بن حسین و شیخ نجم الدین صاحب مدار العباد و از علما شیعه سید مرتضی
 مؤلف بحره العلوم و عمر بن عبدالرحمن صاحب کتاب انصاف و محمد بن سحی صاحب کافه دار علماء و اهل
 محمد بن زکریا امام فی الدین صاحب تفسیر کبر و از حکماء احمد بن محمد ابو علی مسکویه و مولانا قطب الدین محمد
 و از وزرا آسعد الملک و اشال آنها لاشند و لاخصی از آنجا بوده اند بعد آنکه مرزا فیض الانوار حضرت امام
 در حواله ری واقع شد بلکه با آنحضرت آبا و دومی گردید و طهران نیز در زمان قدیم قصبه بود که راز باده ری
 یکفند بعد از آن تختگاه ملوک قاجاریه که دیدار حضرت ایشان بر عمارات آن افزونند اکنون شهر مسطحی
 دار الملک مملکت ایران است و اطراف شهر را خندق و حصار کشیده اند از میدان شش و توپخانه و زراد
 هارس و مساجد و کما بالقص و قصوری ندارد و حال مسکن ارباب دولت و ماسن اصحاب حشمت و محل
 از دعام و جمیت است عمارات یکد و باغات چمن میوه و خیابانهای دلکش و بنو زارای بهجت فرا
 و اصله های بسیار با صفا طرح انداخته اند **جئه عالیة تسکن فیها الابرار** ملده طایفه
 تنزل فیها السادات تختها نیز صیقل از طلا و لایعین فوقها روضه رضوان باغ علی حای

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

واصل من بعد ذلك ما كان
 في صرح الجبل من آثار الجبل
 التي قد وليت أرمها جيل
 كما قال المصنف في ذلك
 في صرح الجبل من آثار الجبل
 التي قد وليت أرمها جيل
 كما قال المصنف في ذلك

وکر مشاوری

وعلی جعفری نفوس و جمیع طهران را تسبیح و شادان سازد و در آن وقت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در آنجا
ارکبته چهارصد هزار بوده باشد و در آن وقت طهران نیزه بار در دوزخ دارد و در دوزخ بیست و چهار دروازه
شماران ۳ دروازه دولت این سه دروازه دست شال طهران واقع اند هم در دوزخ و دو شان پنه
۵ دروازه دواب ۶ دروازه خراسان در شرق واقع اند ۷ دروازه راه آهن ۸ دروازه
حضرت عبدالعظیم ۹ دروازه غار ۱۰ دروازه خانه آباد در طرف جنوب شهر واقع اند ۱۱ دروازه کربلا
۱۲ دروازه قزوین ۱۳ دروازه بلخ شاه در سمت غرب شهر واقع اند و مسافت از طهران الی خراسان
ری و در میل الی قصبه حضرت شانزده مایل و در میل قریب کفریخ میورد ۹ مایل و در شریح حال امام زاده و در شریح
علیه السلام نوشته اند که آن بزرگوار از کربلا بر تهرین دارا صاحب حضرت امین محمد تقی و علی النقی علیه السلام میورد
و از جور و خلفای عباسی بری شریف آمده فحی شد در سر راه در خانه مردی از دوستان اهلبیت در کمال
عبادت میکرد روزی در دوزخ میدشت و شبها بنهار مشغول بود و در پنهانی بیرون آمده قبری را زیارت میکرد
و میفرمود که این قبر از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است تا اینکه مردم ری حضرت را شناخته تا نزدیک
بوزات آنجا شبی بمول خود را در خواب دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان من در کمال الهیاد و وفات یافته
کنید او را در نزد درخت سیب باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب بنیرا شاه فرمود بهمان مکانیکه در بنیامد فون گشت
پس آن شخص رفت مکان را از صاحب باغ بخر و صاحب باغ را بباغ باغ و پرسید آن شخص خراب و در اقل کرد صاحب
باغ گفت من نیز این خواب دیده ام بهر حال باغ را بر آن سید بزرگوار وقف کردند و بعد از چندی حضرت
عبد العظیم بمایر شد و رحمت ایزدی و مهل کردید و در کمال غل از پیش بقبرید کردند که از خبر در آن نوشته بود
که انا عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام
امام زاده واجب التکریم الشیخ عبد العظیم کتبه ابو القاسم دکان عالمی آباد
و مرا و محترم عند الامامین التجار و الحادیه علیهما السلام و کانایا بنجانه جفا شدیدا و قد
عرض دینه الحق علی سیدنا الامام علی الحادیه و قد در دینه فضل زیارت من نه فرمود
له الجنة و قال شیخنا الشهدی الثلثه و فی تعلیقہ علی الخلاصه هو عبد العظیم المدفون مسجد جعفر
بالری و قریب زیارت قد فیض علی زیارت الامام علی بن موسی الرضا قال من زیارت و حببت له الجنة
روی شیخ الصدوق معتقاعن محمد العطار قال دخل علی ابی الحسن العسکری من أهله الی قال

ایں میں عبد اللہ بن مسعود

این گفت منت منزهت آنحضرت قال اما الله عز و جل منزهت عبد العظیم عند کبر لکنت
یعنی مردی از اهل بی نبوت حضرت امام علی بن ابی طالب شریف شهر امام از وی پرسید که
برای منته عین بن علی گفته بودم فرمود اگر زیارت میکردی بر حضرت عظیم را که در روز
کسی بودی که زیارت عظیم را کرده باشد فرمود من را از عبد العظیم بالرحمة کلام
و اول عبد العظیم محمد بن عبد العظیم و کان تراهد اکبر او انصر من عبد العظیم
محل نشسته سخن و سراو کند و بابر کاب حضرت شاه عبد العظیم
میتن و تبرک در این ورقه کشیده شده شمرده ده

این گفت منت منزهت آنحضرت قال اما الله عز و جل منزهت عبد العظیم عند که گفت کن ترا آنحضرت
یعنی بروی در اهل بی نبوت حضرت ائمه ای پس السکری شرف ششم امام از وی پرسید که کجا بروی عرض کرد
برایست حسین بن علی نقد بدم فرمود اگر زیارت میکردی بر حضرت عبد العظیم را که در نزد شماست بر آن مثل
کسی بروی که زیارت خیم حسین را کرده باشد فرمود من ترا عبد العظیم بالرحمة کلان کن ترا آنحضرت
و اول عبد العظیم محمد بن عبد العظیم و کان تراهد اکبر او افرغ من عبد العظیم فلا عقب له
محل نشسته سخن و سراو کند و بابر که حضرت شاه عبد العظیم را از حجه
میتن و تترک در این و رفت کشیده شده شمرده ده

الحسن بن علي بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

اولین بناراجه ملک را دستاورد و بنیان رواق و ایوان از مرحوم شاه طاهر بن شاه اسماعیل
خبر فتح نقره و آینه بزرگ از مرحوم فتحعلی شاه است و خارج کند را نام الدین شاه طاهر شاه بزر
سرخ گرفته و با تمام رسانید و نقاشی ایوان بارک از آثار خیریه میرزا آقاخان نوری است
باقی بقبر است از رواق و ایوان و چهارخدا و غیره با نام الدین شاه رضوان جایگاه امام پذیر
الحق آن پادشاه شرفیاریان علمها را ذخیره روز رستاخیز قرار داد و در حیاتش غالب اوقات بزیارتش
شرف میشد تا روز جمعه وقت زوال خدایم ذی قعدة الحرام در سال هزار و سیصد و سیزده
در محرم منظر حضرت عبدالعظیم در دست میرزا خدای کرمانه بخدمت او بیای دین و وصل شد و در شب
سبزه شربت فلقه کردید و در حواجر حضرت عبدالعظیم قریب بقبر شریف حاجی ملا علی کنی اعلم الله مقامه
مدفون کردید با مرحوم منظر الدین شاه کبک و فرج خدا کانه بر سر فرارش برافراختند ثم ان بآرخ
الولی و جباها العالیة من مقابر اولاد الامم جعفر غفر در زمین ری مزار امام زاده
بسیار است بعضی از ایشان مخفی و برخی در ظاهر و شهرهاست

1

من محمد مزارقايض الأنوار حضرت حمزة بن موسى الكاظم

بنحده مزار فایض الانوار حضرت حمزه بن موسی کاظم علیه السلام و کاه
مقابل قبر حضرت عبد العظیم قبر الامام زاده حمزه بن موسی بن جعفر الملقب بالزنجی و
ایضا هاتلک زایم معروف الخیر ما تانا هذا این بزرگوار با امام زاده احمد شهورش چنان و با امام زاده
محمد بن موسی کاظم مرسته از یکما درند و اما اگر علمای رجال فرموده اند و کبر العلم از شیخ نجاشی روایت کرده
که در حق حمزه بن الامام موسی علیه السلام در بین بهترین در قریه که بقریه الحمره مشهور است واقع است نه در حاشی
در جزیره العرب در جنوب مدینه و قرأت آنقریه باقریه نیز بقریه قرب حواری قرار صد و پنجاه
مزار خاوند است مزار حمزه بن موسی در آن دیار بقایات مشهور است و بقیه ظاهر و شایع برای
زیارت آنجا شده رجال میکنند از سکانهای در و در حضرت صاحب الامر علیه السلام بچند نفر از علمای
دین و فقههای نوینین ظاهر گشته و فرموده است انکه گویند حمزه بن امام موسی در دری مدفون است
بمخادمت مشهوره لا اصل له است با جزیر ما یکم شهرت کرده و اصلی ندارد بلکه در دری

حسن بن عبد الله بن عباس بن امير المؤمنين علي عليه السلام شيخ نجاشي
ابو بصير حمزة بن قاسم ثقة جليل القدر وفقه العصر از اصحاب حديث دار علمای غيبة
ومعاصر علی بن بابویه والدرصدوق العلم عند الله وقبر منور امام زاده طاب

بن محمد بن محمد بن حسن بن حسين بن عيسى بن يحيى بن حسين بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

مرقد مشهور امام زاهد زید از اولاد جعفر بن حسن بن علی بن حسن بن محمد بن اسماعیل بن علی بن ابی طالب علیه السلام در وسط شهر طبرستان واقع است

در جوار الحفرت بمقبره مشهور سید علی پیر در جوار برادران سیدی بن علی
 ی الدنوبین زید بن علی بن محسن این بزرگوار نشسته شد به یحیی بن زید و ابوالکاسم یحیی بن زید در سر خم
 شهید جیانه که در این کتاب معلوم خود در هم حال سر در خفته است ان یحیی بن الحسن ذی العبدین

[illegible]

[illegible]

محال الرضی در محل دفن آنجا شباهت فرموده نوشته است از بعضی نقاشان سمیع سید که در آنجا
 اقول ان قبر الشيخ ابو الفرج الوزیری الخراجی الشیخی المفسر المشهور واقع بالرحمة في جوار الشاه
 عبد العظيم واقام الشيخ ابو الفرج من بعد الدين علي الفقيه الشافعي الاصفهاني كان من كبار
 مشايخ الطائفة الشافعية في زمانه الى الآن باصفهان ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن
 مشهور بابن قبة الرازي شيخ نجاشي كوفي ثم اقام في اصفهان عظيم القدر بكونه فقيهاً ماهراً وعلمه
 بود در مادی حال در دسترس نه در دست و آخر متوفی عن امانیه رجوع نمود و کتاب اضافی را
 از تصنیفات اوست نوشته اند بنحای صحیح پیاده کرده بود رحمه الله علیه در ری مدفون است
 الفقيه الجليل ابو علي محمد المشتهر بابن الجعيد الاسكافي ان يكون ابن الجعيد
 من رجال غيبة الصفه معاصر المتوفى فغل السند العلامة عن كتاب الانساب
 انه من أهل اصفهان كانت في مدينة الري من ديار عراق الحزم سنة احدى وثمانين وثلثمائة
 فيكون وفاته وفات الصدوق سنة الرنة ودفن في مقبرة واحدة علي بن احمد
 بن علي الرازي ارشاهير فضوی ری بود در تقارری مدفون است و زبدة العلماء الانساب
 قدوة الحكماء الاقطاب ومضمار اولی الالباب و منبع الحلی والشم والاداب
 ميرزا باقر نواب وهو محمد بن محمد اللاهی الاصفهانی وكان له تاليفات حميدة وهو
 شاعر نهم بلاغة باشارة السلطان الخاقان فتح شاه جارا توفی في بلدة طهران
 ودفن في الرنة واحمد بن فارس كریا الرازي اللغوي استاد صاحب بيت
 توفی احمد الوزير الفاضل سنة تسعين وثلثمائة بالرنة ودفن مقابل مشهد القاضی
 علي بن عبد العزيز وعلى بن حمزة الكوفي مشهور بابو الحسن الكسائي القاري
 استاد نحو و لغت و تجرید و قرأت بود گویند پسر مارون الرشید را تعلیم بود و با سبویه معاصر است
 در اردوی مارون الرشید بخراسان یافت در قریه بر بنویه که از قرآنی است از ناخوشی وفات
 یافت و فاش سنة یکصد و ششاد نه هجری در ملک ری در قریه بر بنویه مدفون گشت و محمد بن
 احسن بران روز وفات یافت هر دو در آن قریه دفن کردند المولى الفاضل المشهور

بقاع مقدسہ اراضی

میرزا آقا صالح ملا علی کنی، عالم مجتهد فقیه، خطیب و مجتهد مسلم و از نوادگان شیخ محمد باقر عجمی است.
 اخبار غیبات در رسائل و تالیفات و در ایام و در روزگار ایشان در جوار حضرت جدایم در کمال شهرت
 و آقا سید محمد صادق طباطبائی از قبیل مرحوم بحر العلوم و جد پدری سلمان حضرت و از
 علامه صاحب فضول و از ارباب علم فقه و اصول است. قول بود اهل ری از فقهی نسبت آن مرحوم
 و بهر مند بودند و از ایشان در غایت شهرت و نیز در طهران بقعه شریفه سید التوحیدین
 امیر ابوالقاسم امام جمعه طاب ثراه که در السنة و از او بمقبره آقا شهرت بود و از
 آن مرحوم ولد ارشد شریک الحاج امام محمد علی از تبار فقیه و کبیر عالمی بر فرازش برادر است و خود الحاج
 امیرزین العابدین امام جمعه تدریس در جوار پدر مدفون گردید نسبت بایمیره و شجره
 جلیله ایشان السید محمد بن امیرزین العابدین بن میرزا ابوالقاسم بن میر محمد حسین بن
 میر محمد صالح بن میر عبدالمواسع بن محمد صالح بن میر اسماعیل بن میر عابد بن میر حسن بن میرزا
 جلال الدین بن سید مرتضی بن امیر محمد حسین بن سید شرف الدین محمد حسین بن
 عاد الشرف بن میر عابد بن میر محمد حسین بن حسن بن افشین بن حسن بن المثنی بن حسن
 المجتبی بن علی المرتضی علیه السلام السید الاعلم الاصفهانی از برج الانج آقا سید صالح
 عرب الشیخ الفاضل المعتمد آقا شیخ محمد مجتهد العالم الفقیه الخیر الاکبر
 آقا سید علی اکبر تفرشی العالم الربانی و الفاضل العبدی الحاج میرزا ابوالفضل
 طهرانی الشیخ الاعلم الامجد و الفاضل الاحد آقا میرزا محمد زاده مرحوم حاج کرایی
 صدراعظم و المکملین فخر الفضلاء و المالکین میرزا ابوالحسن مشهور بکلاه سبزی در
 فرا حضرت جدایم در جوار این بابویه مدفون است امیر قوامی رازی رحمه الله
 از حضرات شریای ری و فاضلای مؤثران فرخنده بود و در قضایای بسیار در توجید و نفع بسیار
 و منقب است کف و ملک السادات و العلماء سید شرف الدین مرتضی فتی راجع کرده این
 یک بیت از اشعار است شعر صاحب الزمان بر سید بن کام دین او تبریک کشتی شرف الدین
 مرتضی است در جوار این بابویه مدفون است حکیم قاضی میرزا حبیب رازی تدریس در مشهد
 مقدس از قواعد منطق و حکمت الهیه و کلام و هندسه و حساب و نجوم و سایر علوم معانی علم ابدی
 در جوار این بابویه مدفون است و در ایام و در روزگار ایشان در جوار حضرت جدایم در کمال شهرت

بقاع مقدسه اراضی می

باجتهد في الفقه الحسن
ميرزا

سادات

V

تاریخ ملوک قاجار
ابتدای دولت قاجار
خوار و صد و نود و سه

بسم

[illegible]

ذکر مشاهد صفهان

في اخرها يا محمد عالم متصلا في حق فخره وله قبة عالية وماء فيع الاقامه
من المولى محمد مع الجلاله الاصفهاني كان من اعظم الحكماء والمحققين اشهر العقول والمفكرين
توفي قدس سره في سنة سبع وثمانين ومائة بعد الألف من الهجرة ودفن في مقبرة خت فولاد
مولانا محمد باقر بن محمد تقى المجلسي **عليه السلام** مقامه ملجاء الطلاق باصفهان في
الباب الثاني من الابواب الثمانية جاسمها الاعظم العتيق ومن الجزبات لاهلها الشهرة
في جبلها سهاها استجابة الدعاء واصابة الرجا تحت قبة المنيعة وفوق رتبة الشريعة
وقال في تاريخ وفاته بالفارسية: بلغ علمه وان شجاعته في تلك البقعة المباركة
ايضا مقار جبانة من الصالحين غير منها قبر والده **المولى الفاضل التقي المجلسي**
الرافع قدس سره في مقدم ذلك القبر الطاهرة بقاصلة قبر واحد من اخوته الاجلة المتوفين
قبله عقيب مرقده بعض الاعاظم العرفاء الراغبين الرافع فضائل ايضا كما يظهر من رتبة
الرحمة المكنونة في نحن الجدار مما يلي الارجل والرووس توفي محمد تقى المجلسي في سنة
سبعين والف وثلثمائة في تاريخه افرغ اوقاد وروى سر وياشت فضل
ايضا مسجد في اصفهان اقامه ايضا صاحب علم زمت ازعام ومنها قبر صهره العالم
الجليل مولانا محمد صالح المازندراني ابو الفضل كان من العلماء العديدين
والعرفاء القديسين مآثره في حق المفقود المنقول جامعا للفروع والاصول وله تصانيف كثيرة
توفي باصفهان سنة احدى وثمانين بعد الألف ودفن مما يلي جبل المجلسي في زاوية من
ملك البقعة ولها سكة من الحج الا لمسل في خارج الروضة ونظموه في تاريخ وفاته
بالفارسية كتب على لوح زيارته الشريف صالح الدين محمد بن فوت وولد الاقامه
تقى في مرقعة افغان وكان موته في عين تلك النايرة العظيمة ودفنه في تلك البقعة
ومنها قبره فاضل الخريزمي **محمد بن محمد السمرقندي** في الصندوق الواقع مما يلي باب الروضة
ومنها قبر الفاضل المحدث **محمد بن محمد السمرقندي** وقبره قبله مولانا محمد صالح
ومنها قبر ابن لبيد وابن بنته المولى الجليل ميرزا محمد تقى **الماسي** وقد
جرت الاسرار من بلوغ المقصود من ركات تلك التربة المنيرة والروضة المطهرة وتبصها
الزائرون من لاطاف المحققين مع اصناف الخلف والعدايا والنفوس واليرون منها
الخير الموفور والنعمة الشكر وعاجل التردد وعوايد المنظور

العالم الفاضل الجليل مولانا **سید محمد حسین المازنی** المشهور بخارجی
 كان عالما بارعا على ما علمنا من تصنيفاته من المسكين وله مصنفات كثيرة ومقامات خيرة
 وكرامات باهرة توفي في همدان سنة ثلاث وسبعين بعد مائة والف ودفن في زمار
 تحت فولاد باليه باب الغزوة المصنوع اجمعة العارفين المحبة في زمانه من قبل الفاضل الهند
 وباريخونه بحساب الجمل فولاد الجليل مقبرة وضع في الجبل من قبله وقول الشاعر
 بالعارفة غايه علم منهم كرويه **الشيخ سليمان بن احمد الطبراني** صاحب
 الكبير مولد بطبرية الشام وسكن اصفهان الان توفي ودفن بجانب حمة الدقني صاحب
 رسول الله **المتبحر الكامل ابو المظفر الاسودى** ارجوزة وفريدي هرة
 وله مصنفات مفيدة وذكر انه فرض اليه اشراف المالك كلها واخضر عند السلطان
 ابي شعاع بن ملكا بشخصه فارتعد وقع ميتا وفي مكره في يوم الخميس شهر
 ربيع الاول سنة سبع وخمسة باصفهان ودفن فيها العالم العارف مولانا علي
 بن محمد باقر الايجي **الاصفهانى** كان فضلا فقيها متكلما توفي في حاد في شهر
 شوال سنة ٢٢٢ باصفهان ودفن في زمارها الكبير المعروف تحت فولاد قريبا من بقعة
 لسان الارض المشهورة وقبرها المرقوم مولانا **سید محمد حسين** اخواتون آبادى سبط علامة
 قبر السيد العالم الفقيه **امير محمد حسين** اخواتون آبادى سبط علامة
 المجلس ومولانا **امير الواسع القاسم القندرسى** الحكيم العارف المعروف المذوق
 باصفهان في نيكة معروفة به زمار تحت فولاد وهو من قرية قدس سلك التي هي من مال
 استر آباد تجارت كلت مروري ومغزى حكيم خرد وموقد طريقت برى بود ويا شيخ بهاء معاصر
 او بود در سفره وستان علماء وكمكار ارخان فضائل او دعوت نمود ودر حكمت طبعى ورياضى مسلم بود
 وقصيدة اش در الزند فوه ذكره وغلوشايش مشهوره وسطلع قصيدة اش في نظم
 جرح بالين احزان فخر وخرش زباني صورت در زير در در باله سنى صورت زين الكرامت
 معرفت كروى بالايمان با اصل خود يكسانى اين سخن را در نيابدهم ظاهرى كرا وبقري
 كروى على شياى **الشيخ لطف الله بن عبد الكريم بن ابراهيم العالمى**
 كان فاضلا ورعا قاضيا عادلا اهداه مقبره فولاد في عقرة وقد غلبه السلطان شاه
 عباس الماضى الصفوى المسج والمدرسة المنسوبة اليه باصفهان في مقابلة تيمارة على ابو

في ميدان نقشية او كان هو ربه الشيخ جعفر ووالده ابو جعفر الا على ابي الشيخ المسمى
 شاعر فقيها الامامية والذى يظهر من تاريخ عالم الافة وفاته كان باصفهان في اوايل
 سنة واثنين وثلاثين والف مائة باليه بالفارسية جوب وولام ارام وبخط كنى بيان
 تاريخه اثران ثمار **الشيخ ابو الفتح شيخ الدين الفقيه الشافعى** **الاصفهانى**
 وكان من كبار شيوخ الصفوية واجلاء رؤسائهم توفي في ليلة الثاى والعشرين من شهر سنة
 ست مائة هجرية بعد لال الشهور في الا لكان في دار السلطنة اصفهان المولى **الاجل**
الاقا حسين بن جمال الدين محمد اخون سارى كان عالما فصل حكم منكم محقق
 مدقق ثقة جليل تقدر فريد العمران مولد الفضة لوليا قد اسفل من قبل بلوغه الى
 اصفهان لاستفادة العلم والكتاب الحكيم والمعارف حتى بلغ مطارج العلم واليقين وكان صاحب
 التصانيف والملايدز الاجازة وفاته باصفهان في آخر سنة تسع وتسعين بعد الف من الهجرة
 ودفن في زمارها الكبير الواقع من در آفهر رندة موه المعروف تحت فولاد قريبا من بقعة
 بالمركن الذين العارف مولد السلطان شاه عباس الماضى باصفهان في علية على مقبره فقيه كان
 لوم زواله حيد حمران شير مع القيمة فكسرها الاغاغة في المارة ثم جدد على قبره وفولاد
 الان جمال حمران ميران كتيو ايام مريح فانيها بالفارسية ارجوزم ملاك كفشه يا حسين
 واما تاريخها المرتبة فهو قوله تعالى ايجل حتى **الاقا جمال الدين بن الاقاريز**
اخون سارى الاصل اصفهانى المسكن كان علامة ملا محمد الصولياد مسكنا حكيما
 وله مصنفات كثيرة وقيلقات كثيرة توفي في السد من العشرين من شهر رمضان سنة خمس
 وعشرين ومائة بعد الف وفات والده المير محمد حسين سنة ثمانية ودفن في زمار
 فولاد دار السلطنة اصفهان تحتية والده الخرباها السلطان شاه سليمان الصفوى
الشيخ محمد تقى الرازى من قرية ايوان كيف وهو من افضل علماء الاعيان
 وله مصنفات جملة ومفصلة وقد توفي عند الزوال الشمس من يوم الجمعة في شهر شوال سنة ثمان
 واربعين ومائتين بعد الف ودفن في يومه في مقبرة تحت فولاد في روضة عالية بناها
 احد ابنة السلطان لمعوم من توفى من التوان قدام مرقوم المحدث وهو مياي حلف
 الراى من قده مولانا **الاقا حسين** بن **العالم الرباني اقا حسين** صاحب **الصحف**
بن العلامة الفاضل مولانا حسن الدين في ايجل في الشير بالبنان في

10

↗

... ..

امام علی ہدیہ مارسل اسمعیل بن ابراہیم جہا لجا
وصیفا نہ عیاض محمد و ک

بهشت چهارم در بیان مشاهد و بقاع شیراز و شرح حال مدفونین آنجا
 شیراز در اصل یک آبادی است که در زمان ساسانیان در آنجا یک شهر کوچک
 حصار دفع کرده اند که در شهرت کنونی آن شهر در آن است مساحت شیراز در زمان
 قریب دو هزاره م متوسط است که درین وقت بمیان شده و تین از قنات است بهترین آنها از کار
 رکن آباد است که رکن اندوه حسن بن دین خرم کرده در وضع آن حافظه خوشایند و وضع
 بمشالین معلومند که در آن زمان که کتابادست صد حشمت که در خرمی بخشد زلالش چند
 هزار دیگر در شیراز جاری است آب یکی آباد آب سعدی چشمه ساری بسیار و آبای میبار
 در ظرف شیراز است مانند چشمه چهار در غاب و کومون در حد خانه شیراز سید است که
 در بهاران از کوه در ک شیراز شده بهر شهر میگذرد داخل در بجزه مهار لوی شود مخلوق شیراز
 بخیناد این وقت معانی از غنای میاشد سابقا نیز در دره شیراز است ولی اکنون شیراز در
 در دره صفهان در دره باغ شاه در دره کاهون در دره شاه داعی در دره قصابان
 در دره سعدی و در دره دارد محمد میدان شاه غنچه سنگ سبزه محمد سرک محمد در سبزه
 محمد بازار مرغ محمد سخنان پکت محمد بل کف محمد آب محمد ذک سبزه سنگین سبزه
 محمد در شیراز در دره مسجد دارد در آنجا جماعت جوانه میبود و چهارده دره و باره
 حسینیه و در بازار و بازار کاه و نخلی و چهل حمام و سی پست باغ و مردمان قاریس عاقل و
 و اصحت مزاج و شمایل مطبوع دارند و اگر فضولی صاحب تحقیق بر تبارخ است که مثل این
 سید محمد الدین محمد و جلال الدین محمد در آنجا و غیاث الدین سید منصور و میر تقی الدین شاه
 و میر جمال الدین و غیره از اصحاب و مولانا صدر الدین مصنف اسفار و قطب الدین و غیره
 و هزارهای قبر که در بقعه ای سوزده در آنجا بسیار است مسجد قدیم که مردین است ساخته آنجا
 هرگز اولیای دین و قریاضین عالی رتبت قریب بقعه در اوید و خاقان و باب بر در شیراز
 برود و ذکر کار فرایند اکنون بازده بقعه معبر دایه خراست مشاهد متوزع آنجا
 غرابین آثار امام زاده و سید السید الطاهر الخیر احمد بن الامام موسی
 الکاظم مشهور شاه چراغ مکان سید اکرم باور غایبیلان ضلالت
 ابنا موسی الکاظم و او نفقه بعد از وفات او مدفون بهر ارستی سید السادات

و داشت مشاهد و باقی در آن وقت فریاد و ناله و شکایت که ما ستم نکرده و تحقیر نکردیم
 و نه عبادت نکردیم و نه در پیشگاه خودین بار عبادت پرست و در عین غلام و بنده
 بسیار کرد و در سبزه امام زاده و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 بود و در سبزه نام داشت بوی بهر کرده بود آن برادر و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 فرمود و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 و مقصد و پنجاه مجری این شهر است در برخواست در آنجا و عمارت کندی قوی ظاهر در آنجا
 مسجد بن تغییر و تبدیل و خانی در دره مبارک آن یا فقه که بر آن نقش بود المرقه لقا احمد بن موسی
 صورت حال را با تابلو ای که بر آن شاه احمد و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 بعد از آنکه با شیخ خرمی که در آن شهر است در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه و در سبزه
 اکنون در محمد بازار مرغ واقع است
 نقشه صحن و سردر و کعبه بارگاه حضرت امام زاده شاه چراغ احمد بن موسی الکاظم علیه السلام
 از جبهه بتق و تبرک درین دره کشید است و بنر و در باره

مرقد مشهور امام زاده محمد بن الامام موسی الکاظم علیه السلام

و حضرت ابی موسی نام و لد اول والیه بنی هاشم المشهور شیراز و در کفرج صاحب تاریخ
 شیراز بگوید مدفن او آنجا که صاحب الآثار و کان احمد بن موسی که تبارخ احمد بن موسی
 صاحب الآثار و مدفن او آنجا که صاحب الآثار و کان احمد بن موسی که تبارخ احمد بن موسی
 کثیرا بقعه مهر سید محمد بن موسی بن جعفر با حضرت شاه چراغ از یکجا دارند و آنحضرت قائم بین و صام
 النهار بوده و بقعه مهر و شمس طایف بارگاه و محل نفیست و بسیاری در سادات و خیار و صلی و ابرار
 در جوارش مدفونند در طرف و سبزه حضرت مرقد او چنان در آن نوحی که در آن نقش است
 ابراهیم بن محمد بن موسی و میگوید فرزند آنحضرت است فقیر در بعضی از سبزه آنحضرت
 فرزندی است معروف به ابریم اجاب مرادش در کرب و مصقه معروف و مشهور است و آنرا علم

بہشت

بقعه شریف و مینه آریق
کردیم

٤

شیراز و شرح بقاع آن

۱۷

مزار شیخ سلیم بن عبد الله مع کتبش و در گویان مزارش در

99

دست بین شعر یک غنچه پیش از زلفات او

شتر آفرشتن بر تاریخ و دست برین شتر یک غنچه پشیز دفات ادبیا خودش گفت شتر نو
بازول بکند و دیکصد روز زنده بشود و دوزخ در گم کند و در بی نهایت سعادت بخشد که گنبد اما
قتل شود قلندر آن بدو در گم دفع لرزه قضا که چنگ است در بختستان و بکوشن حق برای
نماز و در آن طاق دوسه لوح قرار گنبد است معلوم است که در شایخ آن حضور نهایی محو شده در
حواله بهر و کز این گنبد حوائج ممتنه قبول فرماید و یکایک بای بر از دفع است مکتبه سحر
درست شرف نزار مسافت یکم تقریباً کوی که قلعه بندرش کوید قریش کوی در عمارات که در زویر
واقع شد شیخ سعدی مصباح الدین عبداللّه خواهرزاده ملاطفت علی شیرازی بود که
دو سال عمر مرده و در آنجا تحصیل علم کرده است سی سال متول مسافرت بوده و چندین سفر بخ بای پاره
مشفق شده و در بعضی فرود خورده و از دشته دافنس در سه ششصد روز و یک هفته شسته اند
در دشت شتر شیخ اعتقاد کرده اند معنی او را شنیده و بر غنی بینی دانند مثل فانی و از آنکه شتر شی که جد
و همی دارد و بای معنار که شیخ بینی است و افاضل را حمل رفته میداند بفرز کوی که بار بعد
آن کاری نیست یعنی بدوش نامشقی غنچه میوم و نه بینی بدوش نامشقی غنچه میوم و نه بینی
اوست که از دشت شتر شیخ است با همکار ذی کرامات بسیار رفته اند فقیر دیگر متوجه آنها
نشد و در نزد کرامت است و بسیاری از فضل و حکما در جواب شیخ سعدی مدفونند از جدم مرحوم
حکیم متاله ملا علی قطب بقطب برزخا انما انصاری در تاریخ فوت حکیم ماده تاریخی
کشته بر لوح قرارش حکم است از دایره قطب رفته پردهن بکند و در دشت دوزخ و میو اما
مکتبه حافظیه درست شرف شیراز است و لیچندان مسافتی باشد از دزدان از جبهه گایای
معروف عالم است بنیادش از جدم کریمیان است و آن دو طرف است طرف بسیار وسیع که از پیش
قبرستان است در وسط آن قبور و فراخ جبهه علیا رجمه واقع شده لوح قرارش شک مرمر بسیار زیاده
است بعضی اشارت دارند آن حکم کرده اند مجری از آسمان دور است و بر آن فراز قبه نیست اما طرف
دیگر با عجم است که در آن است شجر بسیار و انواع انما در در میان دو طرف حجره است در وسط
محرمانه نالاری است ملوکانه و ساسی است بر کاه در آن چهار ستون از سنگ برایت در جلوه آن لاله

بهشت چهارم

میرزا محمد باقر الشیرازی صاحب کتابت و تالیف از زواید کتب محلی که بدین نهادت رفته است
 از دونه ای است حاصل خواجه حافظ شمس الدین محمد مدرس شیخ کمال الدین از بهل
 قیصرکان بوده بشیر آمده مشون کرده و خود در کتب رز شده در آنجا تحصیل نموده چندی در
 شمس الدین عبد الله شیرازی و چندی نزد میرزا سید شریف علی مدینه استفاده علوم نموده قرآن
 مجید را غام در حفظ داشته و سنن بکمال و شش رسیده در سنه هفتم و نود و یک هجری وفات یافت
 خواجه راهبری بدستی به شاه نعمان بهند نه در بران پر وفات یافت و قبرش نزدیک
 آبرست در جوار خواجه بیاری از فضلا و علماء در کما و در فاه فون است از جمله مولانا
 المی شیری نامش محمد از جمله غای صاحب بوده و در این دیوانه است قریب شاد سال عمر نموده
 نهصد و چهل و هجری وفات یافته در طرف دست چپ جبهه مدون است این یک نفر از اعاظم شیری
 بنیام فرم نموده شمس جو یا رخ غریب من چکار کنم و داع عمر کنم یا وداع یار کنم از جمله
 حاجی شیخ مهدی حجة الاسلام در سنه شال شرفه کیه مدون است آنجا عیال
 رساله بود در سال یکزار و دویست و نود و سه هجری وفات فرمود از جمله سیکند عالم سنده مولانا
 میرزا محمد باقر الشیرازی صاحب کتابت و تالیف از زواید کتب محلی که بدین نهادت رفته است
 سنه یکزار و دویست و چهل بوده از جمله حکیم متاله الحاج میرزا محمد رضا بادی سر رحمت
 حجة الاسلام مذکور مدون است وفات سنه یکزار و دویست و نود و پنج وفات یافته از جمله مرحوم
 میرزا عباس حکیم در طرف راست خواجه مدون است وفات سنه یکزار و سجد مرحوم حکیم
 میرزا زین العابدین مهدی مدعی بود شرح طبع و خوش اخلاق در سنه یکزار و سجد وفات
 وفات یافت قریب غیر خواجه مدون است از جمله میرزا نظام الدین در غیب از فضل
 عمر خود بوده در سنه یکزار و سی برست از جمله آقای خواجه در سجد و الاعکاف
 دارای نفاس قدسیت و صاحب محاسن مکتوبه کدیده وفات سنه یکزار و دویست و بیست و
 اقامت علی اکبر مولی مستخلص بر لوی دکان عالماة ضلعا بعد از اهله افضها ان
 لغنیان بریا علم قرأت را باعلی درجه رسانیده و در سنه یکزار و سجد وفات نموده در کوه فاه فون

بهشت چهارم

و ضمنا طاق بر در کرده رویکت نه اگر دافع شده و چهار مرتبه علی بن ابی طالب که چهل مقام و منصب
آنجا قدمگاه علی گویند و تحت خیمه خراسانی بکشته است در رکزه بالای سر کینه هفت تن از مذکور در روز
پانجمین که تا تحت قبر بر مقدار یکصد و هفتاد قدم است و یکمیشتر در آن که نزدیک کینه است
اگرست طاق است در دهش مخبر است و آنرا رفی و آن فرار عمار الدین محمودی
احسنی است و فاش در سنه هشتصد و بیست هجری است از کینه مشرقی بقدر ابراهیم
یکصد و نه فراری سنگ بسیار بزرگ در درون صاحب قبر بر آن حک شده که خط مشرقی مشرق
تکل من علیهم فان و یغفر وجه ربک فیما للجلال والا کرام مشهور است که آن قبر مشرق
یک از شاخ عرفات اما صاحب آن که در دهش کینه کرده اند و عمار الدین است که باید
فخر خواجو کرمانی باشد خواجو کرمانی کنیزش اسمی محمود بن علی بن محمود شهر خواجو صاحب
و کمال بوده و شاعر عظیم در مدح آل الله و سنان بود و فاش در سنه هشتصد و چهل و دو دافع بود
یکمیشتر حسین آباد نزدیک بغیر خواجو است و یکمیشتر بابا گوهری در سمت کینه مشرقی است
بمسافت بعید از پانجمین که تا آن کینه قریب یکزار قدم است چون شخصی بالا رود که در آن قبر
بابا گوهری است اسمش شیخ ابو عبد الله علی بن محمد شراری از قریای شایخ است شیخ ابو سعید
و قریب یکصد سال عمر نموده و در سنه چهار صد و چهل و دو هجری وفات نموده و تخلص کلمی بوده و درونی
بزرگ دارد یکمیشتر حسین آباد در دامنه که بابا گوهری است و سمتی نزدیک آن سمت است
قبرستان حلی یکمیشتر یکمیشتر شاه داعی در سمت جنوب بابل مغرب بزرگ بمسافت شش صد
قدم در راز در راز شاه داعی است داعی الله از عرفای آفاق است فرارش در میان
رواق و لوح قبرش از یک بار چه سنگ سابق دو نزع و نیم طاف و نیم نزع و یک که مرعاض و هفت
ارتفاع دارد داعی اسمش سید محمود نظام الدین محمدی سیدی بود فاضل
و معتمدی کامل صاحب مقامات عالی و فیضانش عربی و فارسی بسیار است مت عمرش نزدیک بیست
بوده در سنه هشتصد و هفتاد و هجری در راز فاضل عالم بقا و جگرده چند نفر از بزرگان اولیا آگاه در راز

۵۱

مشاور شیراز

داعی الایمانه مد فونه شیخ اقطع میرباب نیز خوانند همش سید شرازش در دست جنوب غربی شیراز
بمسافت دوفرسنگ در فاصله لومی آماران ربع فرسنگ در دره وسی واقع شده مرقدی دارد
و شیخ دانیال در بعضی کسوم بجز سقان درست جنوب شیراز بمسافت چهار سده و شیخ
شهریار درست جنوب شرقی شیراز بمسافت کمتر از فرسخی در میان محرابه لوحیاد رود قصرش
فرستان است در آن بقعه و دراز است بر یکا آنها نوشته صاحب القس القندسید و المقامات
العالية شهریار بن احمد بن علی الفسائی و تاریخش شصت و شش هزاره است بر لوح دیگر نوشته
الشیخ الصالح العابد الثالث جمال الدین حسین و شیخ علی چوپان در کمر
شیراز است مرحوم سید اله المتخلص بغزای شیرازی در سال یک هزار و دویست و نود و نیاقت
در دار السلام مدفون شد که نیدست ساعت قبل از فوتش تاریخ وفاتش را گفت و وصیت کرد که بر لوح
نمازش نقش نمایند پس شهادتین بر زبان راند و جان بجان آفرین تسلیم کرد این است تاریخش
چه شد سید ایدار داند بنیاد خدرا بنده بود مصطفی را به تاریخ خود این خبر را گفت که آمد
و قال از نام غرا میرزای سکوت قدوه عارفین جهان و زبده سالکین زمان میرزا ابوالقاسم
شیرازی است تاریخ فوتش هو الذی لا یموت یا فخر یکم هزار و دویست و سی و نه است در حجر حضرت
شاه چراغ مدفون است از محفل علمای اهل و فضلی کرام شیخ صالح ابن عبد الله بن محمد در کاروان
از محال شیراز مرده و متوطن گردید بعد با شاه سلیمان مغولی تولا و مضادات نام مرافات شد و
تا بیاتش بسیار است در شیراز وفات یافت در جوار سید علک الدین حسین مدفون گردید
الدین عبد الرحمن شیخ عهد و مفتی محمد بود که نید در مسائل شرعی بمذبه شیعی و شیخی
مرد دقتوی میاد در سنه شصت و نه در وفات یافت در شیراز مدفون است ابوالقاسم
فخر الدین محمد از افاضل و در کار بود در فارسی قضاوت داشت در سنه شصت و نه وفات
در شیراز وفات یافت حاجی میرزا سلطان علی لقب شاه از سادات کرام و از
علمای اعلام است مردی متواضع و در تغییر حدیث ربلی تمام داشته و سخن گفتن دیرو عاخر جواب بود
و هم گاهی شعر میگوید در سنه شصت و نه از دار کجور حرکت بسوی غنات ایات نمود پس در شیراز متوطن شد
در سنه یکم هزار و دویست و نود و نه وفات یافت مدفون در دار السلام شیراز است و دیگر

در سالهای دواتین خرمی غمزد فزون و باهر درختان از دست کاشتن
برای الحق کردید و فزون و غایت یافت اما فتح و کسر و زعم و کفر
فرموده امام زاده حسین بن موسی با جعفر است

در سالهای دواتین خرمی غمده فزون و باهر درختان از دست ایشان عذبتی برون آورد و طبق
برای الحق کردید و فزون و غایت یافت اما فتح و کسر و بزم و کلف حقیران سرور با قطع و حقیر
فرستاده ام زاد حسین بن موسی بن جعفر است

وکیلان شاهزاده
 حسین علی محمد
 اصفهانی وزیر
 ویران و فرزند

شاه بنده و پادشاه تفرقت را ابو الفضل محمد الملک باوستانه القلی که وزیر ابو مستعد ^{مستعد} بود انجام داد بعد از سه طین صغیر و ملوک فاجار به تعمیرات آن قیام و اقام نمودند

اما سادات قزوین حضرت شاهزاده حسین بموجب فرموده اگر باب جلال و انبیا
 بلا عقب بوده لکن از نسل برادر آنحضرت ابراهیم الکبیر ابراهیم المرتضی که در زمان قدیم قاضی و
 قزوین بودند باشد و از ذریه محمد بن ابراهیم علی بن ابی طالب و از نسل حسن شد

و ابراهيم طباطبا حبيب الاصفهين امام زين العابدين عليهم السلام و دانند يار بسيار و با طرف
حوال آن مفسرند از بقاع و قبر علماء آنجا مراد امام الدين الرازي

كان من علماء عصر الظاهرية العباسي وله من المؤلفات محضر التذرين وكتا

بنا هرقه و تو ف بمدينه قزوین في سنة ثلاث و عشرين و مائه و دفع فيها مائة مولا ناس

مع طبعه شرح كعب لغزو حاكم العين ورسالة شمسية وجامع الدقائق الانصاف اور
التشخيص في شرح كعب لغزو حاكم العين ورسالة شمسية وجامع الدقائق الانصاف اور
الاشارة في شرح كعب لغزو حاكم العين ورسالة شمسية وجامع الدقائق الانصاف اور

صاحب الصحاح وادبنا في كتابه في التفسير وكتاب في التاريخ كبير في قوله
٢٧٢ وادبنا في كتابه في التفسير وكتاب في التاريخ كبير في قوله

منه پانصد و بیست و هفت یافت قبرش در قزوین است و حمد الله مستوفی صاحب الزمان
بید در مقصد و پنجاه و هفت یافت گزارش در قزوین است شمس المله و الدین قاضی شمس الدین

چندین سال در این راه بود که در این راه

الحاج خليل بن الغاري القرطبي ذكره شيخنا

الحاج خليل بن الفارسي القزويني ذكره شيخنا آخرا المعاني في ذكره مكره نقل

المحصل عالم العلامة حكيم مكرم محقق ثقة محدث بعد جامع للفضائل وله نصايح
كثيرة جميلة وتفاسير ورسائل جليلة رايته بمكانة في الحجة الادلة وكان مجاورا بها
مشغولا تالفا حاشته جمع النيران فتنه منتفحة وثمانون بعد الالف وكان

مبلغ عمدة الشريف ثمانمائةين وبقية في القروض والمواهب حاج حسين الزوي
شاهم خلاصته الحساب وقد ذكر عند التاليف لتعقوب ومولانا روضة مولانا

عبد العظيم بالري ومدة ثمانية ايام غزل عنها وانشعرا الي مكة فجاور بها ثلث ارجع منها
سكن قزوين حتى مات دفن فيها ومولاه محمد قمع المشي بال اعلم القوي

الفاصل عالم زاهد صالح واعظ يُعَذِّبُهُ بِجَمَاعَةِ قُرُوبٍ مِنْ جِلَّةِ مَوْلَانَا كِتَابُ
أَنْوَابِ الْجَنَانِ تَوَفَّى فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةِ ثَمَانِينَ وَالْمِائَةِ أَقَارِبُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

سید علی حسینی قزوینی از تلامذہ شریف العلماء شیخ علی بن حجر و در رفعت و احوال کمال بقا داشت
و خط خوشی داشت و صاحب اجازات بود و بیات عمارة قزوین با دقتی کثرت قریب بمیشاد سل

برادر در قزوین است جناب اقا سید تقی ستمه عالم در ایداد و سعادت حق بدین فرزند

نزدین است حاج ملا محمد تقی بر تئانی الشهدا ثالث عشره وفات امیر
ن بود و قیامه مرزا علی محمد شیرازی دعوی بابت کرد و در دم باد کرد و در حاجی ملا محمد تقی در مسجد غیر

باب حال تخیر و آن طایفه را کجای میزدند و در آن روز و شب چهار جوی در محله
سعد رفت و در منزل مراجعت و عبادات و تضرع بود و بجز یک دختر را در آن روز که قرة العین میگویند

پند نواز فرقه خاله حضرت پادشاه از کرم و دار و مالش از آنجا باز شد

در قزوین در حواله شاهزاد حسین در مقبره میفرود که حاجی میرزا ابوالحسن شیرازی برای خود میفرود
در بعد از چند سال رای مقبره قزوین را شکافتند همان بدن مانند ایام زندگانی تر و تازه بود اکنون

۱۹
تعلیم فیلسوفی
از فاضل علی

مجلس فیاضی

معتبر است و در قریب
میان است

هم در جنب مرگ
و آن مرگ با فضل
و بی منت

سید محمد باقر

صاحب علم و فضل و کمال
ذو البیقات

۳۰۳

قال في
قوله في
قوله في
قوله في

عبد الله بن الحسين

طاهر بن عبد الله

بسم الله الرحمن الرحيم

بهشت ششم

فرار منور حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه به کربلا
بن سید ابراهیم القزوينی هو اعیان المجتهدین هذه الاواخر دفعها
القول المبیح لرات المعقول والمقول وضاحل الکرامات والمقامات فی حیوته
بقدر المات ورفقه الشریف بقرین کثره واحده من المعصومین یقبل الخواجه
المحتاجین رحمته الله علیه وعلى آله واتباعه واحبابه واجداده المعصومین

بهشت ششم در بیان مقابر و مشایخ و مشوق شام

در این ملک مملکت شامات است نزدین کنعان بنا کرد در نظارت جلالت
عمارت و دورت و شبی و فواکه و آثار جنت روی زمین است جمیع دمشق کون بقدر
دوایت هزاره هشت و فرب نجاه از ریاض طایه در دست و مردش قوم عرب و اکثر
شافعی و ماب و دیگر بخاری و قلیلی یهودی و کبی شعبه امامیه و دیگر حنفی و دیگر مالکی
و سامری و زیدی و علی الهی و زیدی است و بقدر صد ناره و سجد سجد و صد ناره
و در بیت حمام و دوازده هزار باغ دلد و چهار هزار در کان شربانی در آن شهر است
و مسافت خطه شامات طویلا الی عرش و عرضا از طلی الی بحر و درت و هی الاخر
المقدسه التي بآثارها و جعلها منزل الانبیاء و الاولیاء
از عجایب دمشق جامع آمویه مسجد باسی است در وسط شهر واقع شده
و لید بن عبد الملک آنجا را بنا کرد و خارج هفت ساله مملکت را بهان مسجد طرح نمود
چهل تون یکپارچه از سنگ رخام دارد و پنج ناره دارد و بقدر شش هزار فندیل
که تمام شب را میوزد و در شش محل درس گفته میوزد طول مسجد پانصد و چهل و هفت گام
عرضش صد و پنجاه گام و داخل یوتیه مسجد شغال طلا باشد و در آن جامع قرانه
بخط حضرت امیر مومنان و قران دیگر خط عثمان بن عفان است **جبل ربوه** در کوه
دمشق است آب و اوینا الی ربوت ذات قرار و معین در باب انکه نازل شد
و بر دژوه انکه مسجدی است متصل بر کهنی گوید ولادت مسیح در آن کوه است

اما بقاع شریفه و مقامهای قبر که آنجا

الافغان

ذکر مشایخ و مشوق شام

فرار منور حضرت امام حسین علیه السلام

فکنوه مذکوره بد مشوق باب الفراء لیس فرار از سبک حضرت یحیی بن زکریا
در سمت شرق مسجد جامع در رشتن آن واقع است حضرت یحیی پسر زکریا بود و در دمشق
عمران خواهر حضرت یحیی باشد شش ماهه از مادر متولد شد از اجنه پسران بنی سربیل پادشاهی
مردش نام حضرت یحیی اور از زکریا کون مانع شد اول بقوای آن زن ملعونه یحیی را حبس کرد ماند
الیه در حشمنی مونس مردش را از سر برده آن زن ملعونه هند علی قتل یحیی نمود و قتلش کرد
و او را جندن از زکریا زاده کان مجبوس رفته سر یحیی را از بدن جدا کردند و در حشمنی نهادند مجبوس
پس انقل آنحضرت اصحاب و شاگردش جمع شده حید مبارکش را از دندان برده دفن کردند
اما سر مبارکش در محراب بر بدن کشید **باب حیران** نام محلی است در دمشق همانجا یحیی را شهید
کردند سرش را از بدن جدا کردند و در محراب بر بدن مبارکش حضرت حسین را در محراب حشمن
بقعه منوره حضرت رقیه خواتون دختر حضرت امام حسین که در خواب شام ده یافت بین حشمن
بعقین شرفیقین امام سلمه و ام حبیبیه از زوایا طاهرات سید کانیات در آنجا است
اکثر ایشان در مدینه در قبرستان بقیع دفن شده ایم لکن در شام زیارت میکند این توجیه کردگان
بر سر فرات آن دو خواتون دو کنبه عای برافراشت و فرار محمد معصوم بن جعفر صادق
یزد در آنجا است و مرقد عقیل بن ابی طالب اندکان است من آن
جعفر بن عمر بنین و کان اکثر الناس ذکر المالب قریش فعادة و لذلك کان
و کان نما انهم علیه في ذلك مغاطبه لآخيه علي و خروجه الی معوية حتی
قال يوما بحضرة هذا ابو زيد لولم أعلم بالآخيه من اخيه لما اقام عندنا
و تركه فقال عقيل اخي خیر لفي ديني و ائت خیر لفي دنيائے و قد اتون دنیا
و اسئل الله خاتمة الخیر توفی بالجنة في خلافة معوية **قبر محمد بن جعفر**
ابی الطیب در دمشق است و مخرج ابو محمد حسن بن حسین کهول بن عینی بن یحیی
بن ذی النعمان بن زید بن علی بن الحسین که در دمشق قاضی القضاة بودند

در این ملک مملکت شامات است نزدین کنعان بنا کرد در نظارت جلالت
عمارت و دورت و شبی و فواکه و آثار جنت روی زمین است جمیع دمشق کون بقدر
دوایت هزاره هشت و فرب نجاه از ریاض طایه در دست و مردش قوم عرب و اکثر
شافعی و ماب و دیگر بخاری و قلیلی یهودی و کبی شعبه امامیه و دیگر حنفی و دیگر مالکی
و سامری و زیدی و علی الهی و زیدی است و بقدر صد ناره و سجد سجد و صد ناره
و در بیت حمام و دوازده هزار باغ دلد و چهار هزار در کان شربانی در آن شهر است
و مسافت خطه شامات طویلا الی عرش و عرضا از طلی الی بحر و درت و هی الاخر
المقدسه التي بآثارها و جعلها منزل الانبیاء و الاولیاء
از عجایب دمشق جامع آمویه مسجد باسی است در وسط شهر واقع شده
و لید بن عبد الملک آنجا را بنا کرد و خارج هفت ساله مملکت را بهان مسجد طرح نمود
چهل تون یکپارچه از سنگ رخام دارد و پنج ناره دارد و بقدر شش هزار فندیل
که تمام شب را میوزد و در شش محل درس گفته میوزد طول مسجد پانصد و چهل و هفت گام
عرضش صد و پنجاه گام و داخل یوتیه مسجد شغال طلا باشد و در آن جامع قرانه
بخط حضرت امیر مومنان و قران دیگر خط عثمان بن عفان است **جبل ربوه** در کوه
دمشق است آب و اوینا الی ربوت ذات قرار و معین در باب انکه نازل شد
و بر دژوه انکه مسجدی است متصل بر کهنی گوید ولادت مسیح در آن کوه است

بشت ششم

مشهد زینب خاتون بنت کبیر الشیخ بن الحسن الاکبر زید الاکبر بن الحسن بن علی
بن علی بن ابی طالب، در حواله دمشق در فریضه واقع است این خاتون مشهور است
خاتون بنت امیر المومنین، شده است غلط و خلاف شهرت از برای آنکه زینب کبری
بنت امیر المومنین می باشد در مدینه در قبرستان بقیع مدفون است مدفن جعفر بن
ابی سفیان الهاشمی بن ابی حارث بن عبد المطلب در دمشق در قبرستان
ابوطالب بود در کثرت ملازم حضرت رسالت بوده تا در سال عین از مدینه که شد در
دمشق دفن یافت عبد المطلب بن ربیع بن حارث بن عبد المطلب در کتاب
احصای سبط است ثقه و راوی احادیث بود در زمان خلافت عمر بن خطاب و در سال
شصت و دو از مدینه رفت یافت و محمد بن ابی حارث در دمشق بسیار بهر سید فرار
بلال بن حمام مؤذن رسول الله ص و اصله من الحبشه لما اتي النبي
وانشده بلسان الحبشه شعرا ابراهیم کنکه کبری کبری منظره فقال
الحسان اجل مناه عريافا احسان شعرا اذا المكارم في افقنا ذكرت فاما
بك فينا في المثللا وشهد كل الفرات مع رسول الله ولده يؤذن بعد
النبي لاحد فيما روى الامراء واحدا في قدومه من دمشق الى المدينة
لزيارة قبر رسول الله فاذن ولعيتم الاذان مات بله مشق بسند عشرين
بالتابعون وهو ابن بضع وستين سنة ودفن بباب الصغير سعد بن عباد
الانصاري سید نصاری و کرم و زکام و اصحاب خاص رسول خدا و در اکثر عزرات حاضر
و جان نثار و خدنگار اهل بیت اطهار بود تا اینکه بای کر سبقت کرد و او را اخراج بلد کردند
از مدینه بجانب دمشق شام رفت بعد از آنکه در آنجا بجزیه یک اعظم است قول است
حارث بن شام المخزومی صاحب نهج کف که او در مدینه که مسلمان شد
و از خلاصی صحابه و خیار ایشان بود در زمان خلیفه ثانی شام رفت در شام بمقام غزالی
داشت تا در سال هجدهم از مدینه رفت یافت محمد بن ابی حذیفه لفری

دمشق و شرح مشاهیر آنجا

در بار حشر در زمان رسول خدا است که شد و از جانب حضرت امیر مومنین و از آن معبود در آن معبود او را
گرفته مجبور ساخت تا از محنت و نصرت علی دوری و برای حمید بود که کشته شدن عثمان خنجر در
زندان مانده تا برکت از دی بروت و محمد حنفیه بن ابی بکر صدیق در دمشق مراش عام
و عبد الملك بن ربیع بن حارث و ابو العباس سهل بن سعد و عبد الله
بن عمر در دمشق مدفونند و دیگر از اصحاب در موضع غدد که در دوشنبه دمشق دفن است
فرار و قبره حجر بن عدی و اصحابش میباشد و قی شهیدان از قبر حجر بن عدی و اصحابش
زیارت فرمود این بیت را بنک قبر آنها نوشت شعر جماعة بغناء عزمر آه قد دفنوا
لهم من الله اجلال و اکرام و فرار اکابر انبیا و اولیاء در خارج
دمشق و در آن سرفست که جبل قایسون گویند در آن غارهای زیارت در کثرت
بسیاری از انبیاء است از آنجمله در آنجا غاری است که عماره اجماع گویند و فرار از انبیا
از کشتی مرده اند و در بین فرسجی دمشق فریفت صالحی گویند متصل جبل قایسون در آنجا
غاری است با میل قایل در آنجا استید کرده منزلت خوش در آنجا است اما فرار
اجله علما و افاضل حکمای آنجا الشیخ الشهدید ابو عبد الله محمد بن
محمد بن محمد المکی و حیدر بن محمد بن شهاب اول در فضل و علم زهد و وفات مائدها
با در دایره وجود مکتب شده فقا مشرک کتابی قیامه شش ظاهر است از هزار نفر از فقهای علم اجازه
داشت نوشته اند کتاب لغو شقیه را بدست گرفت روز و در حبس خانه دمشق تا بیست و هفت روز
آخر به نیست رخص عماد بن جماعة القاضي الشافعی در زمان الامالی الی انصار و فرقی
قتلش را دادند در میدان قلعه دمشق در سبیل باز از فرقی و فرقی و شهادت
شهادت کردند الا اول جنس ثم صلب ثم حرق اعلی الله مقامه مولانا
قطب الدین محمد محقق رازی مولدش در المومنین را بود در روز دهم شهر رجب
سنة مفسد و شصت و شش دفات یافت در فضایی قلعه دمشق بوی نماز کردند و در سال هجدهم
کردند العلم الثانی و المقتن البانی الحکم الاخی المنظر الطیبی ابو نصر الفارابی
صاحب التقانیف المشهور

از قیامه بنی امیه
در سال هجدهم از مدینه
فرار کردند و در دمشق
دفن شدند

عبد الله بن ربیع بن حارث
و عبد الملك بن ربیع بن حارث
و عبد الله بن سعد و عبد الله
بن عمر در دمشق مدفونند
و دیگر از اصحاب در موضع
غدد که در دوشنبه دمشق
دفن است و قی شهیدان از
قبر حجر بن عدی و اصحابش
زیارت فرمود این بیت را
بنک قبر آنها نوشت شعر
جماعة بغناء عزمر آه قد
دفنوا لهم من الله اجلال
و اکرام و فرار اکابر انبیا
و اولیاء در خارج دمشق
و در آن سرفست که جبل
قایسون گویند در آن غارهای
زیارت در کثرت بسیاری
از انبیاء است از آنجمله
در آنجا غاری است که عماره
اجماع گویند و فرار از انبیا
از کشتی مرده اند و در بین
فرسجی دمشق فریفت صالحی
گویند متصل جبل قایسون
در آنجا غاری است با میل
قایل در آنجا استید کرده
منزلت خوش در آنجا است اما
فرار اجله علما و افاضل
حکمای آنجا الشیخ الشهدید
ابو عبد الله محمد بن محمد
بن محمد المکی و حیدر بن
محمد بن شهاب اول در فضل
و علم زهد و وفات مائدها
با در دایره وجود مکتب
شده فقا مشرک کتابی قیامه
شش ظاهر است از هزار نفر
از فقهای علم اجازه داشت
نوشته اند کتاب لغو شقیه
را بدست گرفت روز و در حبس
خانه دمشق تا بیست و هفت
روز آخر به نیست رخص
عماد بن جماعة القاضي
الشافعی در زمان الامالی
الی انصار و فرقی قتلش را
دادند در میدان قلعه دمشق
در سبیل باز از فرقی و فرقی
و شهادت شهادت کردند
الا اول جنس ثم صلب ثم
حرق اعلی الله مقامه
مولانا قطب الدین محمد
محقق رازی مولدش در
المومنین را بود در روز
دهم شهر رجب سنة مفسد
و شصت و شش دفات یافت
در فضایی قلعه دمشق
بوی نماز کردند و در سال
هجدهم کردند العلم الثانی
و المقتن البانی الحکم الاخی
المنظر الطیبی ابو نصر
الفارابی صاحب التقانیف
المشهور

شرح مناقب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

من اعیانهم در و سانه نقل من کتاب کشف الغم لعلین عیسی الا بکرمه علیک مولانا
سید نورالدین عاملی در صلیه رتق درون است صدر العتین و فخر العاشقین
کثیر بن عبد الرحمن شاعر و عارف عاشق شهر بود و مذهبه حب اهل بیت
 الرسول و منصبه مدح ذریه النبوت الماتة الی الباقیة الی جانبته و در فضیلت
 رافضی بود و با خلفا بنی امیه باطن دشمن بود و در وقت غزاه نام روزی مشام بکافش
 بر کثیر بن زبیر که زنت غریبه رطوق کوید تا او را از یزید کینم در این وقت کثیر در مکه بود عازم
 دمشق کرد و غزایه را دید که با شرافت و وفایا در می کند تا اینکه بر شرف رسید دید که بر
 جبارة نماز میکنند آن هم بایست نماز کرد و بعد از اتمام نماز خبر دادند که زنت غزاه است
 که مرده و این جبارة او است فلما سمع فشق شققة وفات من ماتت و دفن مع
 غزاه فی یوم واحد وفات عکرمه مع کثیر فی یوم واحد و ذلک فی سنة خمس مائة
 الی **سید محمد المسعودی** الملقب بالکرمی الملقب بالکرمی الملقب بالکرمی الملقب بالکرمی
 القصة قال ابن خلکان الموصوف کان ای سید ادب و صلا و صاحب المقامات الفخریة
 و هو کتاب مشهور کثیر الوجوه بآید فی الناس و کان یفید مشق فی الحقائق البحتة
 و توفي سنة ۳۸۰ هـ مدینه دمشق و دفن بکنج جبل قاسین و قف کتبه علی الحافظ
 الذکر **شیخ ابو عمر صالح مقدسی** صاحب در صلیه رتق درون است
 نزدیک دمشق برشته کوه فاسه و سبب ایله از اصالیه بگوید و قتی شیخ مذکور در
 آن مکان مدرسه و در و صمد و سایر و صاحب بنا کرد خود و اصحابش ابل صلاح و ابل سید
 بودند از سبب اقیه نامیده شد پس شیخ فرورد رسته ششصد و هفت و فات کرد و در حرم
 در نجف دفن کردند و مما اکتشفه مدحها بعض الفضلاء **شرح الصالحیة جنة**
 و الصالحون بها اقاموا فطرا الدیار و اهلها امتی حجة و السلام و سادایک
 در دمشق و شامات اند اولاد و الذی حاج من حلف نقاد و معروف
 به بظایف و در شهر زنده بزمیست و در ۳۰۰ هـ امام علی النقی علیه السلام غسل او محسن و محب
 اعتقاد اسم الشاه در شامات و در قبر که اسم آن خزان است بسیار است اما
قبور خلفای بنی امیه و شرح حال ایشان

شرح مناقب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

من طرایف ما اورد و فی بنی القریل قل عربی الماء الطاهر مشق ابو غام المروزی علی
 قبور خلیفه ما نهیت الحیره شام و سحرته میحیا و مانقت منه شیا الا طرفه
 الا امکان کرمه فحقناه ثم استخرجنا سلیمان من ارض دابق فله یجد الاصله و حجة
 و اضلاعه و استخرجنا سلمة بنی حجة و کذا کان عبد الملک و جذا مساویة خط
 اسود کانه مراد و لم یجد فی قبر یزید الا عظم واحد و ما وجد من عظامهم حرق به
 در روضه القفا طهرت که بعد از قتل ایران بنی امیه عبدالله بن علی که غم سفاح بود فرمود
 تا کور ملک بنی امیه را بشکافند و قبر را بکنند آنچه یافتند ریخته و بپاشید و در موضع قبور را ختم
 زد و مزارع ساختند عجب است از محبت بنیان بجای آن قبور علانی نهادند تا حال زیارت
 آنهاست سکارند و از خدا تعالی توقع ثواب دارند و ملک بنی امیه چهارده نفر بوده اند
 و این رقم شمل بر سالی ایشان است
سلسله اول معاویه بن سید یزید و یزید و یزید جفا کار بد کهر آنکه معاویه بد مردان بعد از او
 عبد الملک و یزید و سلیمان و پس عمر آنکه یزید بازشام است پس یزید و یزید و یزید و یزید
 مردان بن محمد و کشته لقب حمار بود آخرین نیست جز این چارده ذکر و بنو امیه کانا
 علی مذهب الحبریه و الحجاج کانا علی مذهبهم لما قتل اکابر السادات و اصحاب
 علی و بری الکعبة بالمخفی و قال هذا منه قالا **معاویه بن ابی سفيان**
 بنک صفین امیر المومنین علیه السلام کرد و قتی حرمه بر سر زانو و ساقش نهاده و فات کرد و در شام بایست
 و بایست و صاحب کینت **یزید بن معاویه** در سال شصت چهار و در حواله ضمن بایست
 چهار سال شصت کرد و در آن مدت خفت سید شهید را شهید کرد و درین راه فات نمود و بنک و خرم
 کینه بر او نهاده و یزید بن معاویه واقع در بیکر آن شک انداخته اندل بزرگ شده **معاویه بن یزید**
 بعد از چهل روز خود را فاق غزل کرد **مروان بن حکم** بن معاویه بن یزید و یزید و یزید و یزید
 در غزه رمضان سال شصت و پنج ساخت **عبد الملک بن مروان** در سال شصت و پنج
 قتی حرم کرد و بخون ای حضرت سید شهید را خفت عبد بن زبیر کشته شد حجاج بن یوسف قتی طوت غرق

و من طرایف ما اورد و فی بنی القریل قل عربی الماء الطاهر مشق ابو غام المروزی علی
 قبور خلیفه ما نهیت الحیره شام و سحرته میحیا و مانقت منه شیا الا طرفه
 الا امکان کرمه فحقناه ثم استخرجنا سلیمان من ارض دابق فله یجد الاصله و حجة
 و اضلاعه و استخرجنا سلمة بنی حجة و کذا کان عبد الملک و جذا مساویة خط
 اسود کانه مراد و لم یجد فی قبر یزید الا عظم واحد و ما وجد من عظامهم حرق به
 در روضه القفا طهرت که بعد از قتل ایران بنی امیه عبدالله بن علی که غم سفاح بود فرمود
 تا کور ملک بنی امیه را بشکافند و قبر را بکنند آنچه یافتند ریخته و بپاشید و در موضع قبور را ختم
 زد و مزارع ساختند عجب است از محبت بنیان بجای آن قبور علانی نهادند تا حال زیارت
 آنهاست سکارند و از خدا تعالی توقع ثواب دارند و ملک بنی امیه چهارده نفر بوده اند
 و این رقم شمل بر سالی ایشان است
سلسله اول معاویه بن سید یزید و یزید و یزید جفا کار بد کهر آنکه معاویه بد مردان بعد از او
 عبد الملک و یزید و سلیمان و پس عمر آنکه یزید بازشام است پس یزید و یزید و یزید و یزید
 مردان بن محمد و کشته لقب حمار بود آخرین نیست جز این چارده ذکر و بنو امیه کانا
 علی مذهب الحبریه و الحجاج کانا علی مذهبهم لما قتل اکابر السادات و اصحاب
 علی و بری الکعبة بالمخفی و قال هذا منه قالا **معاویه بن ابی سفيان**
 بنک صفین امیر المومنین علیه السلام کرد و قتی حرمه بر سر زانو و ساقش نهاده و فات کرد و در شام بایست
 و بایست و صاحب کینت **یزید بن معاویه** در سال شصت چهار و در حواله ضمن بایست
 چهار سال شصت کرد و در آن مدت خفت سید شهید را شهید کرد و درین راه فات نمود و بنک و خرم
 کینه بر او نهاده و یزید بن معاویه واقع در بیکر آن شک انداخته اندل بزرگ شده **معاویه بن یزید**
 بعد از چهل روز خود را فاق غزل کرد **مروان بن حکم** بن معاویه بن یزید و یزید و یزید و یزید
 در غزه رمضان سال شصت و پنج ساخت **عبد الملک بن مروان** در سال شصت و پنج
 قتی حرم کرد و بخون ای حضرت سید شهید را خفت عبد بن زبیر کشته شد حجاج بن یوسف قتی طوت غرق

[illegible]

التذكير والحمد لله الموفق
 لما يحب عبد بن يزيد بن هاشم بن علي بن أبي طالب
 قد سلم جده الثاني يوم بدر قال صاحب كتاب الوفيات ان الامام الثاني كان مريضا
 في بلدة غزة الفلطين سنة خمس مائة وثمانين فمات بها سنة ثمان مائة
 وخرج الى مكة ثم عاد الى بغداد فقام بها شهر ثم رجع الى مصر وكان وصوله اليها في سنة
 ولحقه بها ان توفي يوم الجمعة آخر يوم في رجب سنة اربع مائة وثمانين ودفن بعد العصر من يوم
 في قرية الضمير وقبره في باب القرب من العظيم واحمد بن حنبل امام الحنابلة كان
 يخدم الثاني وياخذ بامامه وبقول ائمة هذا الشاب والثاني اشعاره في غزة
 ونظامات شتى ونظم في الرواية شئ كثير ومدايح غفيرة نزل في شأنهم آية المظهر
 مانع من محرم في كتاب الصواعق قال الثاني عليه السلام يا اهل بيت رسول الله
 فخر من الله في القرآن ازل كما كرم من عظيم القدر اكرم من لا يطمع عليكم لاصلوه له
 ايضا من كلامه لقد كنت انا ابا محمد بن جعفر خذوا ما يريد بغضا فابرم من بين
 الفريقين نداء بغض الله السمات والارض ايضا سلمه بعد الناس صفة
 مير المؤمنين وانشاء يقول شعر انا عبد الله ازل فيه لانه الحق ائمة الحق في
 من المشهور المتواتر عنه نقله قرا بشرا وان الرضا ابا محمد لم ينس طرا نجد
 وفات الثاني في يد علي بن زيد ام تبه الله ووقته اذ اذ جعل ذكر واعلنا
 عليه وفاطمة الزكية يقال تجارة رايهم هذا فهذا من حديث الرافضة هربت
 الى المؤمنين من اناس يرون الرضا جباة فاطمة على الازل صلوة ربه ولحمه لئلا
 العارف باله ذوالنون مصري كان اصلا من النوبة توفي ابن حنبل ودفن في القبة
 سنة خمس مائة وثمانين ودفن في مصر ما عاين ارضا الحسين بن علي بن ابي طالب
 سمعيل المزي كان زاهدا عالما مجتهدا غواصا على المعاني الدقيقة من علوم
 صاحب السانج وافرهم وصنف كتابا كثيرا توفي في شهر رمضان المبارك سنة اربع مائة
 وثمانين بمصر ودفن بالقرب من توبة الامام الثاني استاد ائمة العراق
 من الصالحين ومنهم من يروي عن

بهشت مشهور

خروج کرده لای تسبیح را از پشت دالاد و خاد بصره را از اندام برسد و ناپودخت منفرد زبانی
 باو تاسی کردند که ایشان را **ملوک فراعنه** بگفت سلطان دوم ایشان **ربان بن ولید**
 حضرت یوسف را بعد از آنکه در بطریق پسندیده زندگانی کرد و مقام ایشان **قابوس بن طیس**
 بن مصعب طیس داشت او را نیک شاهی و دیهیم پادشاهی گشت و هیئت ایشان بکبر الایله اربابان
 کیوان در گشت گویند فرعونیک در کلام مجید که گشت شماره باو است و انشهر بار اهل دین
 و اصحاب یقین طرفه عدوت است و از سر ستم ظلم و جور و عدوان بچگونه ممل فیکه است آخر آن
 بحر قناری حضرت یاسی بچویش آمد و او را با نیکو بچویش قهرم بر دانی در درون غرق گشت
 و خاندان آکا فریخت از ساق کیتی برانفت و **اسیبت فراعنه** و **اسیبت فراعنه**
 رحمة الله علیها المقول و المقول بصره و محافلها لایست بجز من المصدا و غلبت
 التجره اسلم فلما بال لغزوت ذلك بها هاهنا بفت بدیدها و جلیها با أربعة اوتاد
 و القاف في الشمس ارا ان تلقى علیها شجرة عظيمة فلما قرب اجلها قلت رب ان لی
 عندك بناة الجنة فرفعها الله تعالى الی الجنة ففیها اكل و شرب من الجنة ان
 فرعون اراد ان یمتها تمثلت له شیطانا یقایها و كل الامم كلتم سلام الله
 علیها بعد از انقضای فراعنه سلطت بدوران قبط انقال یافت و دست نزار ایشان بگرفت
 نمودند ایشان **مرئوس بن مناکیل** بود و بخت النصر بود در زمان او بدان دیار
 توجه نمود بعد از قتل و غارت ملک شام بکشور مصر و راه مردم آنجا را قتل عام و غارت کرد
 مدت چهل سال اقلیم مصر خراب ماند و در آن دیار آدمی نبود بعد از چهل سال حکمای یونان و علمای
 قبطیان و فهای عالمانه در میان خودشان بکنش سلطان از قبطیان فرار دادند و در غارت آنجا
 که شنیدند بعد از آنکه آنجا بخت حکومت یافتند ایشان **مقوسن حرج** بود در سنه بیست و هجری
 با مرعین خطاب عمرو بن العاص با بر سر آمد و آن دیار را متوجه ساخت و خاندان قدیم را بر آنجا
 در زمان خلفای کی از اولیا ایشان در آنجا حکم کرد و در ایام خلافت حضرت امیر علیه السلام بنی امیه
 غلبه کردند و تصرف نمودند بعد از انقضای او دست آنها امرای بنی عباس متوجه شدند و همراه
 کاشکان ایشان آن ملک را متصرف گردیدند و با آنکه ملوک **آخشیه** خروج کردند و پنج نفر از ایشان
 مدت مدید حکم نمودند آنکه آفتاب اقبال **بنی فاطمه** از جانب سفر صلح نمود و ابتدای دولت
 ایشان در سنه دویست و هشتاد و شش بوده چهارده نفر از ایشان مدت دویست و هشتاد و چهار سال سلطنت کردند

بهشت مشهور

سزنی فاحمه
ملوک

اول ایشان **السید امیر عبد الله طوق المهدی** بالله زینت حضرت سعد بن ابی وقاص و بنی امیه
 در خانه یحیی برین وجه مرقوم بود عبد الله بن محمد بن عبد الله بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن
 جعفر الصادق علیه السلام و در آن وقت در قریه سبیل حضرت یحیی و بنی امیه و مدت خدمت
 او بیست و هشت سال بود و در آن سال شصت و هشت و نمانه و مدت عمرش شصت و هشت سال بود و در سنه
 و افریقا و مغربین را بخیطه عرف آورد و در حصار مهدیه از نایای خود بود و یافت **السید**
امیر محمد طوق بقا بالله مدت خدمت او در آن سال و مدت باو آن هم در حصار
 مهدیه در آن گشت **السید امیر اسماعیل طوق منصور** بالله مدت خدمت او در آن سال از خلافت
 متقی شده و در آن زمان که در آن گشت و در آن سال **السید محمد طوق منصور**
 لدین الله باقی گشت و در آن زمان که در آن گشت و در آن سال **السید محمد طوق منصور**
 خادما سر یار جمیع الانصاف و محرم الامور الحسن احکامها تمام اقصای ممالک
 از نوا و خراج خالدا و فلسطین و شامات استخر کرد و مدت عمرش چهل و هشت سال و در آن سال
 بیست و پنج سال در سنه بود و در آن سال بیست و پنج و در آن سال بیست و پنج و در آن سال
 تاریخ معروفه بسیار کرم و شجاع و در آن سال بیست و پنج و در آن سال بیست و پنج و در آن سال
 و در آن سال بیست و پنج و در آن سال بیست و پنج و در آن سال بیست و پنج و در آن سال
 خلافت و حکم از غایت و پیدایش و گشتی است بر او و در آن سال بیست و پنج و در آن سال
 سنه احدى عشر و در آن سال **السید علی طوق بقا** بالله و در آن سال **السید علی طوق بقا**
 سنه خمس و در آن سال **السید علی طوق بقا** بالله و در آن سال **السید علی طوق بقا**
 به **المتنصر بالله** مولودش نوزدهم جمادی الاخر سنه عشرين و در آن سال **المتنصر بالله**
 سنه سبع و در آن سال **المتنصر بالله** مولودش بیستم جمادی الاخر سنه سبع و در آن سال **المتنصر بالله**
المتنصر بالله و در آن سال **المتنصر بالله** مولودش بیستم جمادی الاخر سنه سبع و در آن سال **المتنصر بالله**
 سنه سبع و در آن سال **المتنصر بالله** مولودش بیستم جمادی الاخر سنه سبع و در آن سال **المتنصر بالله**
منصور الامیر بحکام الله در آن سال **منصور الامیر** بحکام الله در آن سال **منصور الامیر**
 روز دافعه پدرش فوئش سنه سبع و در آن سال **منصور الامیر** بحکام الله در آن سال **منصور الامیر**

باب بیستم در بیان شایسته خاندان
 در بیان شایسته خاندان
 در بیان شایسته خاندان

در ارجح و از بنای دارایی بن مبادی قون خرابیت آماری از آن باقی نماند
 مزار فیض آناه و حیه کلبی از اصحاب رسول الله در آن یادگار کمال شهرت و حقیقه
 انکلی بکبر الدال و بیروجه الفتح ایضا و حیه بن خلفه الکلبی مضع رسول الله
 کان جبریل یأی النبی فی صورته و کان من اجمل الناس مولانا پیر محمد نصیر
 فضل زمانه عارف یکانه از آجا بوده سال هزار و دویست و بیست و شش در آن یادگار حجت از وی
 بیست و دامنان از بلاد هندوستان است مزار فیض آناه ناصر الحق
 قدس سره در نفی علم الهدی و در قد امام زاده حسن و بقعه امام زاده محمد حسن
 و منبع امام زاده سالم از ذریه موسی اکاظم علیه السلام در آجات رید مسکن
 از اعیان اسمعیله آجا بوده و جمیل صفت و بیست و یکمیت باین بغداد
 و ساره واقع است امام زاده محمد بن الامام علی التقی علیه السلام
 از حسن کن بحسن برکت و جمعی بوی کان امامت داشته اند از آجات در خراب
 وفات یافت حرمی در موت برادرش بسیار خرج نمود با پای برهنه با اجازه او میرفت
 و گریان درید و الداجه من در استی را در فرمود یا بنی قدس الله فی شأنک یعنی ظاهر شد
 برای التهی و تقدیر حتمی او در موت برادرش چنانکه در مردن اسمعیل بن جعفر الصادق
 ظاهر شد موسی کاظم بقعه امام زاده محمد که در میان ساره و بغداد و قریه شب خط و خط
 معروف و مشهور است اعراب نهایت اعتقاد زیارت او دارند و از قس دروغ در آنجا
 احترام از دنیا میمانند و عبد الله بن شداد این داد گفته که او در خود حرم
 حضرت حسین در بجاها در عبادت و سبک قدم آنحضرت فی حال از او تبخیر نمود و در کتاب کمال بهانه
 روایت کرده که عبد الله سبک ای کاش بفرستم و از حج الفقه شایسته حضرت را بر مردم میگفت پس در آن
 میفرمود کشیدند و کردند و این دهنی گفته او که در روز جمعه شهادت رسید و در میان مردم بود

در قول از بلاد خوزستان است مزار فیض آناه محمد بن جعفر طیار علیه السلام در آنجا
 در بیان شایسته خاندان
 در بیان شایسته خاندان

حرف الدال
 حرف الدال
 حرف الدال

و بقعه عن بن جعفر طیار در کوفه و در قول از قس است او را نیز در آجا شنیده بودند
 مزار ارجح و در بلاد عراق در آنجا یادگار کمال شهرت و حقیقه
 از بلاد خوزستان است مزار فیض آناه ناصر الحق
 قدس سره در نفی علم الهدی و در قد امام زاده حسن و بقعه امام زاده محمد حسن
 و منبع امام زاده سالم از ذریه موسی اکاظم علیه السلام در آجات رید مسکن
 از اعیان اسمعیله آجا بوده و جمیل صفت و بیست و یکمیت باین بغداد
 و ساره واقع است امام زاده محمد بن الامام علی التقی علیه السلام
 از حسن کن بحسن برکت و جمعی بوی کان امامت داشته اند از آجات در خراب
 وفات یافت حرمی در موت برادرش بسیار خرج نمود با پای برهنه با اجازه او میرفت
 و گریان درید و الداجه من در استی را در فرمود یا بنی قدس الله فی شأنک یعنی ظاهر شد
 برای التهی و تقدیر حتمی او در موت برادرش چنانکه در مردن اسمعیل بن جعفر الصادق
 ظاهر شد موسی کاظم بقعه امام زاده محمد که در میان ساره و بغداد و قریه شب خط و خط
 معروف و مشهور است اعراب نهایت اعتقاد زیارت او دارند و از قس دروغ در آنجا
 احترام از دنیا میمانند و عبد الله بن شداد این داد گفته که او در خود حرم
 حضرت حسین در بجاها در عبادت و سبک قدم آنحضرت فی حال از او تبخیر نمود و در کتاب کمال بهانه
 روایت کرده که عبد الله سبک ای کاش بفرستم و از حج الفقه شایسته حضرت را بر مردم میگفت پس در آن
 میفرمود کشیدند و کردند و این دهنی گفته او که در روز جمعه شهادت رسید و در میان مردم بود

در قول از بلاد خوزستان است مزار فیض آناه محمد بن جعفر طیار علیه السلام در آنجا
 در بیان شایسته خاندان
 در بیان شایسته خاندان

72

محدثین الله اظهار المحبت منسجیه روزی نماز و معاصر آنرا در مشهد غنی بدو مقصد فرموده و بیع آن

باب دوم در بیان مشاهد حرف ال

کرده. آنوقت نام اهلش خرقه از جمله بغیر از منی هر یک را برد و دو لادنش چوبدار از دستش جدا کرد و سال بعد از ضبط

در باب تربیت تالذعجهان دخت جلیله همان فریبه درون است و عرض می آید که هر چه در این کتاب میگوید

عن أبيه عن ابن عباس (رضي الله عنه) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم):

را امر فرزند است در تو همی بیت المقدس که بنام سید محمد بن علی که در عهد شیاری پسرش را دیده

نام زینبی است و در بین احرارین نزدیک عبید بن جراح امکان ازدواج میگوید و در بهار

سلف بود چون عثمان بن عفان ابودرید بن انصاری را در میان

و لا ینزل علیہ من بعد و قد اصابه الموت و قد اصابه الموت و قد اصابه الموت

ما ظلت تضر ولا اقلت الخير من ايامي

الفرمانه

ریاض قدس که در درشتی و غایت یافت و در مغایرتی در صورت است

المال بالام الشرف وملانا خراجكم وقاضي عبد المقدر الدوله ومعين

در روی صاحبان تقبر و قیامند **دیر سمعان** در ارضی حمص و دار اعمال مصره

بود محبت ریاضیهی اسماء که در میان کوهستان بزرگ و در میان آب و خاک پهلوانان
درخت شادمانه و درخت گردن در روز جمعه غریب از رخ ماند سال یکصد و یکم گذشت در

و باطلی میگویند و بداند که این از حق تعالی است و در آن روز هر کس را که خواهد بود

پس عیسی سروده در جامه دون اند

مقیم در قمار شده اند و جمعی از امام زاده مادر آنها قتل نموده و ذقات نروده اند من جمله مرار

و مرقد مطهر امیر سیدین

علی بن ابی طالب علیه السلام در آند یار است و در نزدیکی قصبر رفته در آن درود جاریا و خرافات را

...فمنه ...

卷之五

五

卷之四

وہی ہے جس نے

در بحال

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

شیراز

وایر

يَكْنُهَا يُؤَبِّدُهَا

والصلاة الزكوة

...

۱۵۱۰

وہ

...



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين

باب ميرزا شامرخ
میرزا شامرخ بن ایرجی که در کتب معروفه در زمانه خود در کربلا
درت چهل و سه سال هجرت کرده و در کتب معتبره در کربلا
وفات یافت **۳ میرزا الغریک** قاضی و عظمی باطنی مهارت کامل داشت در تفسیر معتبره
بیت است با اتفاق صلاح الدین موسی و قاضی زکوة موسی و علاء الدین علی قزوینی که در کربلا
غیاث الدین محمد و حسن الدین در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
آخر توسط پسرش عبد الصغیر در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
ایرانی و در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

باب میرزا عبد اللطیف
میرزا عبد اللطیف بن میرزا شامرخ که در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

باب میرزا ابوالحسن
میرزا ابوالحسن بن میرزا ابوالحسن که در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

حرف استین
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين

باب ميرزا شامرخ
میرزا شامرخ بن ایرجی که در کتب معروفه در زمانه خود در کربلا
درت چهل و سه سال هجرت کرده و در کتب معتبره در کربلا
وفات یافت **۳ میرزا الغریک** قاضی و عظمی باطنی مهارت کامل داشت در تفسیر معتبره
بیت است با اتفاق صلاح الدین موسی و قاضی زکوة موسی و علاء الدین علی قزوینی که در کربلا
غیاث الدین محمد و حسن الدین در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
آخر توسط پسرش عبد الصغیر در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
ایرانی و در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

باب ميرزا عبد اللطیف
میرزا عبد اللطیف بن میرزا شامرخ که در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

باب ميرزا ابوالحسن
میرزا ابوالحسن بن میرزا ابوالحسن که در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا
در کتب معتبره در کربلا و در کتب معتبره در کربلا

[illegible]

و در این کتاب

شماره

مشاء

الحديث الأولي الكامل الشيعيت السجزي اري صاحب الزمان في قره يزد بسط
 اثر من اخبار است سنة هزار و يكصد و دوازده در قره صباغية وفات یافت و در آنجا نيز مدفون گشته
 است با هم ميگفتند اينكه گناه است نعمت است بن عبد الله بن محمد بن حسين بن أحمد
 بن محمود بن عياش الدين بن محمد الدين بن نور الدين بن محمد الدين بن عيسى بن موسى بن عبد
 الله بن الإمام موسى الكاظم عليه السلام

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الملك" (the king) and "الوزير" (the minister).

ذکر شاه حرف الغین

در آنجا که است که نیکو نامند حضرت مولود محمد اوداع جدید مردم فی قلم هم امین است حضرت
 علی را در آنجا که فرمود مسجد غیر کربلا و ایش باقی است و عویش منوم است غری نام ازین بخش
 الا شرف است در حق هر مهادرج است **غزین** قصه است در بلاد عراق و آنجا که است
 و کابل واقع است الشيخ الغافر الکامل محمد و دین آدم الشهید بحکم سنائی
 از شرافت مذکور که در کربلا مسجدی عظیمه از بود سنه با صد و بیست و پنج هجری در قفسه بود
 بجوار حرم ایزدی پرست و در تجار مدفن است و کربلا عظیمه و چندین باب منوی دیگر دارد
 شیخ بزرگوار محبت خالص العقیده بر ائمه اطهار است و از شمار نجابت بن یکبلی در نظر مردم عامی
 ای سنائی ز قوت ایمان مدح جیدر کربلا عثمان با مدحش در ایل سلطان زین العابدین است
 و شیخ رضی الدین **الا ابن حکم سنائی** زود جلد حکیم سنائی مدون است الفاضل المحدث
 المشکله علی بن محمد **غزوی** و اعط خوش نظر در نجف خالص العقیده بود ابن الحوزی
 در کتب خود از مناقات معتقد و حاصل کرده سلطان مسعودی که در بغداد و حاضر میشد چون سلطان
 وفات یافت مخالفین بمقام امانت و از راه او بر آمدند و او هم در میان ایام بیماری در محرم الحرام سنه
 با صد و چهل و شش وفات یافت و در ریاضی که در باب اربع واقع وادی خود بود مدون گردید
 و اما مقبره ملک غزنوی که مدت سلطنت میان ده و بیست سال بود در قفسه زره غزین واقع است
 ذکر ملوک غزنوی اول ایشان ناصر الدین سلطان بن کبک اکثر ممالک را تسخیر شد و در وستان
 فتوحات کرد امیر فرخ سامانی زیاری نمود مدت سلطنتش نوزده سال در سنه سیم و شصت و شش هجری
 وفات یافت ۲ اسمعیل بن ابی اسحاق بن سلف الدوله بناع کرده مغرور شد و مدت هفت ماه
 سلطنت کرد ۳ محمد بن ابی اسحاق بن سلف الدوله بن سیم الدوله در بین المملکت در وستان
 فتوحات نمود و مادر ام المومنین و خوارزم و عراق را تسخیر کرد و شوا و فضا را متروک بود و همان میکرد
 مدت چهل و چهار سال سلطنت کرد سنه چهار صد و بیست یک وفات یافت در قفسه زره غزین
 مدون گردید **مسعود محمد** او را که کرد در سلطنت انداخت کرم دیکو کار و دهنش در دست
 سلجوقها خراسان را از او گرفتند در سال چهار صد و سی و دو وفات یافت مدت پانزده سال حکمرانی
 کرده ۴ محمد بن ابی اسود سه ماه سلطنت کرد و مسعود بن مسعود او را کشت **مسعود**

در آنجا که است که نیکو نامند حضرت مولود محمد اوداع جدید مردم فی قلم هم امین است حضرت
 علی را در آنجا که فرمود مسجد غیر کربلا و ایش باقی است و عویش منوم است غری نام ازین بخش
 الا شرف است در حق هر مهادرج است غزین قصه است در بلاد عراق و آنجا که است
 و کابل واقع است الشيخ الغافر الکامل محمد و دین آدم الشهید بحکم سنائی
 از شرافت مذکور که در کربلا مسجدی عظیمه از بود سنه با صد و بیست و پنج هجری در قفسه بود
 بجوار حرم ایزدی پرست و در تجار مدفن است و کربلا عظیمه و چندین باب منوی دیگر دارد
 شیخ بزرگوار محبت خالص العقیده بر ائمه اطهار است و از شمار نجابت بن یکبلی در نظر مردم عامی
 ای سنائی ز قوت ایمان مدح جیدر کربلا عثمان با مدحش در ایل سلطان زین العابدین است
 و شیخ رضی الدین **الا ابن حکم سنائی** زود جلد حکیم سنائی مدون است الفاضل المحدث
 المشکله علی بن محمد **غزوی** و اعط خوش نظر در نجف خالص العقیده بود ابن الحوزی
 در کتب خود از مناقات معتقد و حاصل کرده سلطان مسعودی که در بغداد و حاضر میشد چون سلطان
 وفات یافت مخالفین بمقام امانت و از راه او بر آمدند و او هم در میان ایام بیماری در محرم الحرام سنه
 با صد و چهل و شش وفات یافت و در ریاضی که در باب اربع واقع وادی خود بود مدون گردید
 و اما مقبره ملک غزنوی که مدت سلطنت میان ده و بیست سال بود در قفسه زره غزین واقع است
 ذکر ملوک غزنوی اول ایشان ناصر الدین سلطان بن کبک اکثر ممالک را تسخیر شد و در وستان
 فتوحات کرد امیر فرخ سامانی زیاری نمود مدت سلطنتش نوزده سال در سنه سیم و شصت و شش هجری
 وفات یافت ۲ اسمعیل بن ابی اسحاق بن سلف الدوله بناع کرده مغرور شد و مدت هفت ماه
 سلطنت کرد ۳ محمد بن ابی اسحاق بن سلف الدوله بن سیم الدوله در بین المملکت در وستان
 فتوحات نمود و مادر ام المومنین و خوارزم و عراق را تسخیر کرد و شوا و فضا را متروک بود و همان میکرد
 مدت چهل و چهار سال سلطنت کرد سنه چهار صد و بیست یک وفات یافت در قفسه زره غزین
 مدون گردید **مسعود محمد** او را که کرد در سلطنت انداخت کرم دیکو کار و دهنش در دست
 سلجوقها خراسان را از او گرفتند در سال چهار صد و سی و دو وفات یافت مدت پانزده سال حکمرانی
 کرده ۴ محمد بن ابی اسود سه ماه سلطنت کرد و مسعود بن مسعود او را کشت **مسعود**

غزنوی
 سلطان

فرض را با سلا حقه زد و خورد نصف سال سلطنت کرد نه چهار
سال تمام عهد گذشت شد ملت چهار سال سلطنت کردند چهار صد و چهل

فاس از بلاد مغرب بر سر مشرق در طرف اعلیٰ بالی در بیاض سیاح بود و بر سر بحر
از کاه مرصفا بود در بلد که در درواخل با حدیده که در مقبره است
فتح آباد و قریه است از توابعی بخارا و در نیم فرسخی آن واقع است بقعه شیخ حنیف الدین
که در این شهر عالم یکصد در قریه نیز واقع است و مولانا میر علی مشهدی در خط

الفخ فخرج إليه وسند
 ثانياه واد بركة قلوب
 حسين بن علي بن الحسن
 الحنفية بنيه وبين مكة ستة اميال والمقولين فيه **الحسين** بن علي بن حسن بن

در فزون شدن و قاتلهم موسی بن عیسی فی ایام موسی الحاد فی سنة تسع و ستین و ما
 فی دفر جماعه من اهل
 فیه و فیه دفر عیسی
 در حجاز مالک و خیر

100

و اما در مورد خوار و مستضعفان

مهرزد و به سیاه کردید گفت ای کاظم حد و ممکنست قلم و سبک ما را نام بردی که همه حق نبی طه بوده است
می بای غبار غصبا تصرف کرده ایم بعد از آن مادرش در حضرت بدل شده بقصد قتلش در افتاد تا محبوس و منجم
نماید **نقعه** آناه شهری است از مادر آناه شهر گشت **نقعه** در میان مردم بخام و


فرمانش است بزرگ نصیاط و معصیت بفرمانش است بزرگ نصیاط و معصیت
 بنان بوده قار اهل کادونیه از خجایم آرمید و معصیت بفرمانش است بزرگ نصیاط و معصیت
 خاصه طاعت تا ایف نمود با کجور او را از حد و خطا شمرده اند و خطایش

فرهاد و ابا و قریب در چهار فرسخی تنه جبار کوس بعد سید و ابوال
شهر بشهید خواندن از دختران حضرت موسی الکاظم هم در نجف و معالی است که خضر زنده

قادر - از دایره عراق عرب است در زمان قدیم قبه بود اکنون مخروبه است و القادسیه
 نزهتیه قریه من الکوفه من جهة الغرب على طرف البلديّة على نحو خمسة عشر فرسخا وهي

فرمانه

وہی کہ جس نے اسے



قاد

1

قبر التذوب اذ قال على
مشهد بظاهر بغداد وبنی علی بن
نصف من التوریه وبنی علی بن
وهو قبر عبد الله بن محمد بن عبد الله بن
صاحب بن علی بن ابرطال علیه السلام

باب بیت یکم

و در غایت تقدیر و حال کانت دفعه متکثره خلافت النازع عمر و ابن مکتوم از احباب
در قاصد سینه شیشه و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است الشيخ الفاضل المنیر
السالم الوتانی شیخ بن سلیمان بحرانی مفتی بنی الدین در دیار عجم شهر
بام محمدیت بوده و در بلاد بحرین و جزایر امویست و در سال یکصد و شصت و هشت
که در وزارت در قمر است آنجا اول کسی است که نشر علم و احادیث امامیه را در بلاد بحرین
ترویج شریعت و دین فرمود و حاشی بر کتاب تهذیب و استنباط روایت و دفع برعات
و اختلافات که در آن بزرگوار است پیراست یکی شیخ صلاح الدین بسیار از منزل
در علم حدیث و اخبار جامع بود و از حدیث متواتر امویست و بجای پدر و جدش تصانیف جمعی در حدیث
نار حیدر جماعت میزد لکن بعد از پدر چندان باقی نماند آن هم وفات یافت و در بقعه پدرش
دفن گشت بر قدم آن شیخ حاتم بن شیخ و لوفیه فاضل بود سیم شیخ جعفر بن
داود در مکه و مدینه از سکر کمال عقیقت داشت بعد از پدر امام جمعه و جماعت بود قرن
قراباغ در دفتر شیخ شرافت است سید محمد و شیخ احمد اقطع
قریه العنب از نمای شاعر و الاکثاف سکنی بی هراس بود حضرت
غیر بن عمر با شریعت حضرت یاسین بیوت شد با برادرش عزیز توام زائیده بودند
در یکوقت وفات کردند و در یک قبر و در قبر نیز دفن گشتند و طنطنه
که آنرا اسلابل یا استابل نامند شهر دار الملک سلاطین آل عثمان است و علامت که
میان آن و سلاطین خلعت است که عرضا قریب چهارصد گز میرسد و ابو ایوب انصاری که
طرف شمال اسلابل بسافت نیم فرسخ دور است و فیما بین شهر و ابو ایوب قبرستان دهج
و در بایست که عبارت از کنایه خلعت طول آن دوازده فرسخ و هر دو طرفش سمور و جیش
ناخورد است و اگر دار الاماره در حصارش کفرنج است و حج عمارات و بیوتات آن اگر
سه چهار طبقه یکی از سنگ تراشیده شده و سطح با مهار اصفیاج خاص مرصع کرده اند
من العجایب در میان مسجد سلطان محمد خان سنگی است مربع تضاد و جوارین حضرت
عسی در آن کذب شده من الغرایب ابی صوفیا الحال که هزار و سیصد و پنجاه سال

صاحب بن علی بن ابرطال علیه السلام
سید بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن
کنت ابو محمد از عیاران
بزرگوار و قاصد سینه شیشه
صوفی و شریعت امامیه
که در آن بزرگوار است

قراباغ

فخطیه

شیخ الفاضل المنیر
السالم الوتانی
مفتی بنی الدین
در دیار عجم شهر
بام محمدیت بوده

حرف القاف

بنامه مجری از محاران متحرک نشسته و آن یک کعبه روحانی بنامه روحانی است در غایت تقدیر و حال کانت
از بنو و قریب از کس و سینه شیشه و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است الشيخ الفاضل المنیر
رضان ده هزار خیل چرخ در کفاح توبه اند و در شیخ بنی الدین در دیار عجم شهر
بنی مکتوم یکصد و شصت و هشت و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است الشيخ الفاضل المنیر
نصبت شود در بلاد طرابلس و بیروت دارند آهنگی در سینه شیشه و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است
ابو حنیفه دلدند آهنگی از شیخ بنی الدین در دیار عجم شهر بام محمدیت بوده و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است
جماعت علی بن ابرطال علیه السلام در دیار عجم شهر بام محمدیت بوده و در قیام و ن کردن قدم از قرا بحرین است
شیخ امامیه تحسین مفتی از خاندان میثوند و در سال و در میان و شیخ سکنه کجاشی اهل الی موانه
جواد قادری رفیعی نقشبندی شیخی مولی شکاری حمزوی عشاقه در آنجا بسیار است
دارشاه آنجا بقعه ابو ایوب بن زید الانصاری اسم او خالوت است از اصحاب کبار
در وفات بار اول بخار و در جمل وصفین و خوارج در طراست حیدر که از اصحاب غنود ابو ایوب بن
موتی برای روم رفت و در اشای و صل آن دیار سمار که در دیار چون وفات یافت و در وقت خود که در
بلکه ختم طاقات واقع شود و در دفن کنند بنابر این ظاهر است قبول نزدیکی آن مده او را مدون
ساخته و در آنجا محل دعای استغاثی و استغاثی مسلمانان و نصاری است صاحب استغاثی بنی
که چون اهل شام از حریف غ شند قصد آن کردند که بنی قریب او نمایند معارف لخال باران بسیار که خبر
از قهر و در کار رسید در بیان واقع شدند و ایشان متنبه شده دست او بد شد و در جامع صلیبی
فرار جابر بن عبد الله بن جابر انصاری و در ایوان برای مدفن قبر ابو سعید خدری از اشراف
در معبد قدیم و ابو شیبیه و جعفر بن عبد الله انصاری و محمد الله انصاری
و حسام الدین بن عبد الله از قبیل اصحاب اولیاء و فضلا در آنجا مدفونند و در میان
جامع حسنین یوسفی و مقام حضرت زهرا و مقام حضرت حنین بن علی و
سید خانه ابو ذر غفاری و قبر خالد بن ولید و ابی دراهم و کعب بن عبد الصادق
مافر در جامع شریف عمرو و صوم و سفیان در آنجا مدفونند و در میان و شیخ سکنه کجاشی اهل الی موانه

قوله جازيت لذكر اجرة من متصل به انتهى حواشي راجعة
النسب ابو القاسم جعفر بن الحسين بن محمد بن عبد الله بن

قولنا قريت زقرا جنة من متصل بالفتح وسائر اقربا كان مرده العلاء الجليل العجيب العالم
السيد ابو القاسم جعفر بن الحسين بن عبد الله بن القاسم المهدى تاجا مشيرة زاده آية الله

معروف بود و دلش سستار روز و ده تن سینه اسلحه چنانچه در آنجا
و فاشی زهر دیرسیم گفت و ای دین عالم بدین وقت و این الحرم علی ظاهر ملک القرینه بجانب
الطریق فرموده الا الان ملجأ کل فریق و مطاف من کل فج عقیق قویته از یاد دور است

مقدمه
قدیم از زمان شهری بزرگ بوده ملک سلاجقه در این وقت سال در بیت جلال بن علی
نموده اند در رعایت علماء و تربیت مکالمه و خدمت شریعی بطبع نمودند چنانکه در زمان علاءالدوله که
مستأجلی که در آنجا بارده اند از آنجمله شیخ بهاء الدین محی و پسر او جلیل الدین رومی و شیخ حمام الدین

چلی و شمس الدین تبریزی و علی الدین عراقی و شیخ صدر الدین قزوینی و شیخ صلاح الدین زکریا
و شیخ سہاب الدین ادرودی و شیخ نجم الدین صاحب کتاب صاوال العباد و شیخ سونید الدین حندی
و شیخ سراج الدین فخری صاحب شارح فتاویٰ و شیخ فخر الدین عراقی و شیخ بسوی صاحب تفسیر

از علی عاتق و شایسته قریب بخدا و غرور اعظم عرفا می در میان در آنکان جمع بودند لاجرم شریفی
دارا الموضین بکوشید و تورات ایشان در تجارت مولانا بهاء الدین محمد و الدماجه

[illegible]

محررت کرده و در پیش پور شدند و با شیخ عطار محمد بن الدین ملاقات نمودند و در نتیجه ملاقاتی در پی خبر دادند
که این خبر نزد یمنیها و از نفسی که خود آتش در بر خشان عالم اند بعد از زیارت شد و در نتیجه مراجعت بنیامان
شهر قندهار را انتخاب نمود و ملاقات کرد و سلطان فاده دارشاد را بکثرت اندک تادریش

بهاء الدین خلدبرین انتقال کرد پس از وی مولانا جلال الدین محمد صاحب متوی برآمد
سپهنگر کردید ولادت مولوی در پنج در ششم ربیع الاول سنه اربع و ستصاه در قزوین و در خان از افاضه
ذوق و وجدان و در علم ظاهر و باطن و در کمال و کمالات و در کمال و کمالات و در کمال و کمالات

در مجلس درس مولی صبی شدند و صحبت بزرگان دین را یافتند و از ادوات باطنی تبریزی صاحب

نور چشمش شد و شفای کج موانا شمس الدین تبریزی
 بولوی برد و مجدداً اندک پس من اهلک در راه شد و دستش در درخت

نادرشاه و شرف محمد مولانا شمس الدین سمرقانی بردت مقام ایلان فخر فرزند خلف
ملوی برده بعد از آنکه کس من اهلک درجه شهادت سید و در حقیقت با این عزیز کردید مطا

بدرق من زای میگرد مادر سه شنبه و مقدار دو نوبت با فسخ چهار بار در مدت شش و هجده روز
در بقعه بروی مرقون اندازید و بعد از آن شیخ محمد الدین و کان التخریق الدین المراف المرقون سلم
کتاب القلعات من جمله تلامذ حنفی الرفعة و امیر حسام الدین حلیه القونی

وهرآدمي يقول في صفته مولانا الهادي في المثنوي كزبدي خلق محبوب كشيء در بدي
خلفها تنك و ضيف در محبت زاد معني دادی غير ازین خلق دري بکشاري مرغ و حيفت با
انگار که از معنی مولانا الهادي و لفظ افلاطون حکم در قوسه تکی بعد از در راه دارد

در میان ویم در هیچ درختی نیست
 در شهرهای ایران نوشته اند چنانکه در حرف میم شرحش مرسوم خواهد شد **قید** ارد در شت ضعیفی
 و نه چون **قید** از غیر بن اسمعیل بن ابراهیم در آفریه بدون است تمهید فقر یا بهم آید

شهرت و بنیاد الله علیه و الدین الیحدیر و ان
بازیه بناها عقبه بر علم الصواب رضی الله الشیخ الی سحر
ابراهیم بن علی المعروف بالبحری

فیضیه از بلاد روم و سیاهی صغیرت در آنجا مقام داریار کا بهشت است از محمد بن محمد حنفیه
بن امر المؤمنین علیه السلام و بقعین شیخ داود شایخ نفوس و سران الدین شایخ

فروغات که از انجا بر جاود عرقا و دوزخا برودند در میان دریا نشاند
باب پست دوم در میان مشاهد حرف کاف
 کاف را در میان مشاهد حرف کاف

کتاب حضرت زین العابدین علیه السلام در آداب و شیخ نورالدین محمد بن شیخ نصیب بن

کاشان مابین قدم صفهان واقع است بقعه امام زاده ی بن محمد باقر
 شهید است بمقتد بارگوشن یا بارگوش محمد الدین رادستانه کبندی بر سر فرا آن بزرگوار برقرار است

انسان

فخما بومسکان لاسه
فخما بومسکان لاسه

منه وقور جاعله
من الهمد

فیروز

۱۰

ایک

افضل

کتابخانه

...

Figure 1

ماہنامہ

بقیه حضرت امام زاده حبیب بن ابی موسی کاظم در تذاریف آمده است
والمولای محمد بن مرتضی المدنی بحسن فیض الکاشی قال صاحب الايمان حسن
النيكاح في ملاعنا حکما عندنا فيها شاعر ادبنا حسن التصنيف من الثمار
له كتب منها كتاب في الايمان فيه ملائكة بعض طريقة الصوفية مدح من يقول ربه
سيدنا عبدك وحقول راز و زو طر صدق نبی نیک تحصیل کرد و بهترین تلامذه آخوند بود در فقه و علم
و حکمت عرفان جامع بودش مجلس ثانی او در صنفه طلبه بود و در زمان زید و ابراهیم بود و قد
در دارالمرسین مزارع رفیع و صاحب عاقلین است السيد القاضي ابو الصافي فضل الله
بن علي العلوي الحنفي القاشاني از سادات عالم رجالات کاشان و از زمره اکابر و فاضل
ابن بود و در حفظ و درج و تقوی سلمان زمان بود المولى العارف الحكيم غياث الدين محمد
الرازي صاحب دارالقدوس ریاضی و عرفان بود در ششصد و چهل و شصت یافت الفقيه الفاضل
المتكلم الكامل المولى فتح الله بن المولى شكر الله الكاشاني وهو صاحب تفسير
معجم الصادقين و كانت وفاته سنة ثمان و ثمانين و تسعة و ثمان مائة و تاريخ وفاته
كشفت الله شعره مني من تبيين كاشف الاسرار بين واقف سر قد عالم اسر رضاء مادی وادی
تفسیر که در حل کلام خواطرش بود و سر رفیق پرده کشا علی ذات و نکل مرتبه فتح کلام که بداند
فوت و درایت ایمان با فقه اهل نقاش که بمقتاع درش همه بود و بارشاد سخن را بنما
فقه را چه طری بجز آن قدوه نبود بهتر تاریخ نوشته ملاذ الفقها و بابا الفضل
صاحب سیال کبیر که عارف ماهر و فاضل شایسته و مولانا عبد الرزاق طائف تادولات
و غیره و میرانان محبت از شری مود و دانش خوش مغز در مرآت دار و از ذر آموختن
ابو نصر و محمد بن محمد و بقعه ابابو سجاء الدین در شهر واقع است که در
اصح روایت آن است که او از مدینه گشت اما قوی است که بعد از قتل خلیفه ثانی بمملکت ایران فرستاد
و کاشان آمد و در آنجا نفی بود تا وفات یافت که در زمان سمرقند است السيد الاديب محمد
النجيب السيد عبد الله علم الدين بن سيد محمد الدين از نس زید بن علی بن محمد بن
ایرتمور که در کان لبرقه آمد پس در آن شهر نام کنی بابا داشت و ملقب بشیخ الدین سید عبد الله در کتب و

[illegible]

حرف الكاف

[illegible]

کھل کھو
کھل
سرچہ شاق
کرومیں
کرکان دور

کرک فوج

[illegible]

4.

الحسين

باب چهارم

سفر بنفشه چون در بنجامین ولایت یافته بود بنابر این ملک شد و از آنجا آمد و در حیدر
 حکمرانی کرد و در عمر خود فتوحات بسیار نمود و با شاهزادگان سلاجقه بازرگانان و خوار و بسیار کرد
 آخر از ترکان غزنه گرفت یافت سه سال در قلعه نزد پسر و مجوس بود سنه پانصد و سیزده وفات
 یافت و در مدفن کشت **محمد و باجم خود سلطان بنجر جنگ که ده منور شد و باز از جانب**
آن سلطنت یافت و در سلطنتش دو هزاره سال و فاش سنه پانصد و بیست و پنج طغرل ثانی
 بهرامش مسعود در نزد و خود و دودمان و اعیان ایشان هم استقلال زدند مثل انانک ایلدیز
 در آذربایجان و جهان پهلوان و عراق و سمرقان بخار و مت سه سال سلطنت کرد
 در سال پانصد و بیست و نه وفات یافت **مسعود و سرشد خلیفه را شک داد و او را خلع کرد**
 مدت حکمرانی هجده سال فاش سنه پانصد و چهل و هفت **ملک شاه ثانی** به از خوار و خلع
 و در نزاع بود تا مدت دو سال حکمرانی داشت **محمد بن محمود و باطنه جنگ کرد**
 و بعد از آن محاصره نمود تا پیش نبرد مدت حکمرانی هفت سال بود **سلیمان بن محمد بن**
 ملک به نزدی خلع گردید و مجوس کشت بعد از مدت ماه حکمرانی در عتبه او را خلع کردند
ارسلان بن طغرل ثانی به وفات انانک ایلدیز بر اعیان و دشمنان طغریا مت سه
 پانزده سال سلطنت کرد **طغرل ثالث بن ارسلان** بزد و خود را بقتل ارسلان و سلیمان ایلدیز
 بود عاقبت در جنگ کتیش خان خوار و شاه کشته شد و زده سال سلطنت کرد سال پانصد و نود
 وفات یافت و سلطنت از سلاجقه منقرض گشت **مریان** از قزاقان ایلدیز کوکان رود کلان
 غازی است مشهور به **پیر علی مستجاب الدعوه** چون به حبس و بنسب در لوی سنکس محکوم
 بنمود در کتب اخبار و رجال و انساب و تواریخ نام و نشان را نقل نموده بودند هر چه کتب را
 تفحص کرده تا معلوم نیامد که این پسر علی کت است اولاد از نام زاده ای گرام میگوید بکان خوار و
 و در آن محل اقامت کرده تا آنجا چون این پسر نام ساکنین طریقت صوفیه شبیه بود بنابر این حالت
 فقرای مسلک علیه نعمت التلبیه و نور بخشیده صوفیه و کجاشیه و خلوتیه و شطاریه و فیه و فلاحیه
 و نقشبندیه و رواقیه و طریقیه را تجسس نمودم اشخاصیکه علی نام بولایت کت داشتند از بنی نقشبندی

سراین

حرف المیم

که برادر میوه از شیخ طریقت پیر که منتهای به قریب و هربت بر یک نایک و در بنجامین
 سید معتمد از قریب در ختوان است خود به پیر محمد بن محمد بن محمد بن سلطان پیر محمد بن محمد بن
 در حرم آباد لرستان است پیر محمد سادجی رزق و نشان سلطنت است در سواد مدون است و مع
 و داری در خوار و شقایق کرمان بود که کاتب در خراسان پیر محمد لسانی در سواد طبعیه در نظام
 در حواریه مدون است پیر محمد اکبری از سواد فیه در طبرستان در حواریه مدون است ابو العز
 مدون است خواجهم پیر از بنی که سواد نقشبندی قریب در محال آباد آلهرت سیدان و دیگر
 چند نفر نام است در سواد فیه پیر محمد قاری پیر محمد نظام پیر محمد فاروقی سیدان و دیگر
 یامده اند در سواد صوفیه علی نام فیه در سواد صوفیه خواجسته عیادت که در ادبیل در سواد صوفیه
 مدون است یکی از سواد صوفیه یکی از سواد صوفیه نام است یکی در سواد و دیگری در قسم مدون
 یکی هم از ترس برادرش به بنده او فرار کرد و دیگر بر کشت چواری که کار کیا علی بن سلطان احمد است
 قریب معلوم نبود و چواری بعد از وقت کامل نفی شد که فرار آن بزرگوار است در تواریخ مسطور است که
 آن سید حیل القدر لفظ از دفاصل دمشق و عداول سادات و موالات فاضل احسان او بهر مند بودند
 و اخلاص و حریت و حمایت و رعایت و تربیت و تبحر است پیر محمد پیر محمد پیر محمد پیر محمد پیر محمد
 احتیاج به بیان ندارد شاه اسماعیل که در صفه و حرات سیدان بود در سال پانصد و نود و پنج
 در لایحان و طاع نموده اند از سیدان کوکان زود به ادبیل رفته بعد از مدت قریب در کتیش خانی
 حروج گذشت تا در سال پانصد و ده کار کیا حسین کیا فریدون و کیل کار کیا علی رقتل ساند کار کیا علی
 بالفرض سلطنت کیا را بد و تقوی کیه روی بکوشه عزت آورد مدت یک سال نزدی شد چون چنین
 کیل سلطنت کیا علی بایل بودند جمعی بر آن شدند سلطان حسین را بقتل رساندند امرای سلطان خواجسته
 در عرض کتیش خانی از شورش ایشان ترساک شده راه فرار اختیار نمود و خواست خود را بار دین یار روی
 شاه اسماعیل سواد و در تحت حمایت آن خود را از خط ملامت خلاصی دهد شبانه راه افتاده از راه کرانه
 بقریه مریان رسید امرای سلطان حسین از عقب آمده با تاجار سیده بعد از قتل او چوالت در سیدان کردند
 پس در آن مکان در سر عبادت آن ایرو مریان دفن کردند شاه اسماعیل بعد به پستخا این دامیه تمام فاش
 تاجار را بقتل رسانده و حکام کتیش را با دین و حاکم طاع و خال در او ان بقتل رساندند و فاش
 سید علی کیا در سنه پانصد و یازده سال ششم خروج اسماعیل بود و پیر محمد پیر محمد پیر محمد پیر محمد
 نمود پس برادرش پیر محمد کیا علی پیر محمد کیا علی پیر محمد کیا علی پیر محمد کیا علی

بیت چهارم

العادية
من

منزواخان

مشهد یادگار



شهرستان

مشهد

مشاهد

L

عرف المم

تتمت بحمد الله تعالى

مكتبة جامعة القاهرة

۲۱

این کتاب از کتابخانه
موزه و کتابخانه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

1

مقام

مقام مقام
نور رحمت

مكة المكرمة

تبرکات

روزنامه

۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲

تجدید امنہ بنیاد
پیش قدمی

باصرف

که منقعه در قصبه خج در مجادفات یافت شد عمرش بقیه پیاورد ۲۵ ساله جمیع
پدرش کحول و مجوس گشت او بر جای پدرش و برادران حکومت کرد و صفهان را داد و

از

Figure 1

معارف

94

[illegible]

خدمت مبارک صاحب مجال علم اندیشا و سب پست رزقه
النجلی اصل صفه فتمت فی دریشا و ریشت دریا
فقیه نیشاوری عم او بود صاحب بی دیکنه ابو سهل
فرزند در خراسان سجد و رفت در نیش و رافان
مردون شد **ابن شامویه** فارسی و فقه شافعی چنه
رفت مکه و در فارسی فنی بود آنگاه به نیشاور مراجعت
ابو نصر از غیاث محمد بن عبد الله فقه شافعی در سال باغد
محمد بن یحیی الفیقه الشافعی استاد کانه فقها، شاگرد نیشاور
که از ترک غز نیشاور مستول شده قتل عام کرد و این
خاک به نباشد تا بک شد **معین الدین** خهر
در نیشاوری نش و در برین بگرد و ضیف بنمود در
یافت **حاکم نیشاوری** ابو عبد الله محمد بن عبد
داستاد اعظم ریاست بارود شایخ و اساتید آن زود
تصانیف در ریختن در نیشاور سال چهار صد و پنج واقع
بود و در نیشاوری نش فوت نموده در سال شش
شیخ ابوسعحی اسفراتی از فقه فقههای شافعی
کانه شایخ نیشاور ایند و فی راز و او خند میشد
اهل نیشاور بر روی نماز گذرند از قضا در سال چهار
وفات یافت **تعالی مفسر نیشاوری** یکانه در
اشتر مامد و در سال چهار صد و بیست و نه در دنیا
اللغه از شایر علماء اسلام است آخر عمر در نیشاور به تضرع
شک و شش و نه یافت **حکیم عمر خیام** بنیانی
الملک وزیر و حسن بن صباح جمیری پشروی اسمعیه از غه
امام موفق نیشاوری فخر نگارده ادودی مذمت نیشاور

٢٠

وفات بنامه منصف شهر رمضان سنه ثلاث وثمانين ثلثمائة
شيخ فريد الدين محمد بن ابراهيم العطار انه ولد في
الشريف في بلدة ينشاور وادرك حجة على الكبر مولانا المرتضى
وله مصنفات كثيرة شيخ عطار ازهری رو کا بر دو منه چیزی بر او
رسا نه تعجب سر خدا را به دور دست خود گرفته بعد از نیم ذبیح ذریه تا آجا که مرده
فان تعجب آن کرامت را دیده نادام دلیشان شه شیخ ابراهیم غسل داده
در سر از اش خار کشت قلی شیخ عطار در سال شصده و بیست و هفت اتفاق
عمر کرده بود قبرش در نیشابور است بقبر ابراهیم بن عبده و یکی بن بکی
و محمد بن رابع و احمد بن حرب عمو مادر نیشابور واقع است و

که از سلاطین صفاریان بود در سال دویست و چهل و چهار در آنجا دفات یافتند و درین باره گفتند
نیل شنیدی بود در کنار دجله حجاج بن یوسف آن را احداث نموده بر دریا مخرجی از او سحید
 را که بر در آن فضا شری آفرید و در آنجا دفون است و دیگر نیل رودی است شهر در کتب اخبار
 سطر است که چهار رود است آب بهشت بر آنها جاری شود آرد نیل آفرات ۳ چون
 سجون قال علی بن ابی طالب ما نیل مصر بیت الطریق لا تغلوا منه سکر من طینها فانه
 یورث الزمانه و قال علیه السلام فی ماء العرات اشربوا ماء الفرات فانه طهر و البدر
 و الفرات ایضا و فی ماء العرات کل يوم ف اغسلت بملح

واسطه از بلاد خوزستان است حجاج بن یوسف اینا کرد اکنون حراست
السید احمد بن یحیی بن حسین ذی العقبه بن زید شهید بن الامام زین العابدین علیه السلام
علو و زو و ... و تفسیر و فضا و کرامات

و سعید بن جبیر یصفت در این کتاب کثیری مذکور است بقل مجامع ادرا
مردی بود در زمان ستم حسن بن علی بن ابی طالب در مدینه و مجامع مدینه
نمود که بر طریقه تشیع ائمه اربعین نمود و اهل بیت ظاهر را دوست میداد و مجامع مدینه
شهادت جبیر زیاده از حمل مدینه زنده بود در ایام مرض الموت بارها پیشش آمد و بار پیشش آمد و در آن
و سعید بن جبیر یصفت در این کتاب کثیری مذکور است بقل مجامع ادرا

بن جعفر میاں کہ در زمان ابو مسلم خرو

محلی نماند جمعی در بزرگان و اولیا که در عرض قبه الاسلام هرات و قبا حفرن کشته اند از قریب تابان
و دیده ای فتح به ستم تا این زمان و ساسی شریفه ایشان در تاریخ هرات و طبقات بنحاجه و بعد
نضاری و غیر آنها از کتب و رسائل معلوم است بدانکه استعداده الله بنیل المقاصد الدنیة والدینیة
که اقدام بنجاعت و احوال ایشان است و العزة الطاهرة و قدرة الاسرة الباهرة والامام العالم
المعالم مشهور بین الانام معتدلی الملک الحجاب عبد الله بن معویة بن جعفر طیار
المشهور بستیاد السادات از کار اولیا و اخطایان خود بوده در علم ظاهر و باطن سرآمد بود و عزت
خداوان و شجاعت بسیار داشت و نهانی خلق را به حق دعوت میفرمود و اوضاع و احوال طریقی هر
و شفقت و کرم ملک میداشت بسیاری از انالی اطراف و کائنات بخیرت او میل کردند تا برتره رسید که در
و اعی فارس و اصفهان خطبه بنام او خوانده بفرمود حکام الله احمد و عدوت بر حق و اوضاع او شغال نمود
و لشکر انجوه برادر فرستادند و قوم او را متوقف ساختند و او بزرگان خواص خود بکریخت و بقیه همان آدم ابو سلم
مردوزی به جانب شیل بن طهمان که از قبلی او در هرات عالم بود نامه نوشت که بهر نحو که و حید که میسر شود
سیند از نزدیکی خود طلب کن پس شیل در ایام تمام مرتب ساخت و مکتوبه در غایت تعظیم و احترام بحاجت او فرستاد
و با آن هرات او را ترغیب نمود و متعاقب آن حالت نموده و تحت بطرف روانه میکرد و قریب آن بزرگوار با پای
از آنجا بهرات آمد و در بختک از بزرگترین را فرود آوردند و او برای اقامت وی عمارت و منزلی بجهت وی
تعیین نمودند تا خواطرش تسکین یابد پس شیل خبر با بوسلم فرستاد که آنچه مستعد تو بود چنان شد ابو سلم
بنهانی نشان نوشت که کار او را آخر کن و سرش را روانه کن آخر الامر سیند بر کار بدانت که شیل عهد
او دارد و خواست که بمیرد و غیر نشد اول در اندک در دبداد چند روز بقتل رسانید و سر مبارکش را بنزد ابو سلم
فرستاد و بدنش را در گنبدی صحرای که محل مشهور و معروف است دفن ساختند و این واقعه غلظی و سال
صدوسی و چهار از هجرت بود و بعد از وی قاتل آفتاب به بلای غلیم نباشد و باقی وجود مجتهد و سرسید
و جناب ولایت آتاب مولانا زین الدین بن محمد شاه بابادی فرمود که شی در سر مزار سیند مسجد الله
بهر میرودم و در ارواح او آیه نظر کردم از شرق بهج روی بزرگوار تر از روح او ندیدم و مقبرت
مزار اصحاب کشف و ولایت که هر شب مجسمه ارواح و اقطاب و اقدار در آن مزار تنگ میشوند و در
تاریخ مختصر و مفادش از هجرت سلطان محمد کرت کندی برترت ایشان بنا کرد
و الحال روی در انهدام دارد و عمر الله با فضله

بن جعفر طیار که در زمان بوسلم خروج کرد بعد از آنکه در دست مالک غنیمت در هرات بشهادت رسید

ایب بیت منظم

امام زاده ابوالقاسم بن جعفر بن محمد بن زین العابدین علیه السلام
هم در صرح مدفون است شیخ غار که استاد و زبده خواجیه است انصاری بود و مراده ما خواجیه است
میفرمود که بویسته زیارت قاسم بن جعفر بود و از روح مقدس او استمداد و بهشت طلب خواجه
عبدالله بکرات میگفت که در شب عبودیت دعا بکنم در صرح هرات بقیعیم رسانده اسید خجاست
که با حاجت مقرون شود و در هرات پیران مستند که از پیران ما قدم شنیدند که قبر امام زاده جعفر
کجاست و اکثر مردم بقیعیم میدانند اما متین در صرح است پس طریقه زیارت قبر او چنین باشد که
در مقبره مذکور در آید و از روح بر گوارد استمداد و بهشت طلبند و به وقت افغانیه و اخلاص
بخوانند و ثواب آنها را در روح آنها سازند و آن وسیله اذات و تعاصد خود را از قافله کجاست
فلسفه و الله الموفق والمعين **عابده عصری بیستی** از شاه بهر دست است حق
و مستجاب مدعای بوده و نظر تمام بابو اسم مرزوق داشته و بهشت حق فارغ کارهای شکر و
در پیشاورد و هرات روزت باو سم برآید و در او شود و بهشت که در او بود و شرفی میگفتند و در
باتفاق عیاری میکردند و در او خرقه در می رزغیب بر روی او بکشوند و زخمن گوشه گرفته
و تنبیه و حق نشد و کارش به گرفت و در سال بقیعیم دعا و زیارت کور حق بویست و در بار ملک و در
شهرت هرات شد و قبرش معروف است و بویسته که ممکن است و در زیم بخاوند و در بام بهشت بر نور کواکب
بر فرود و هرات ساخته و زیارت در آنجا و در زبان فارسی زیارت **امام شایخ شیخ عبداللہ الولی**
ابن مسلم در علوم مرده و ماطه حضور صادقین حدیث و تاریخ نبایست کامل بوده و در زمره
ادبیای کبار بعد و گذشته سفوف است که ابو فضل اسحاق گفت که در واقعه دیدم که در صرح عظیم برضی
شهر هرات شسته بودند یکی از آنها باریک گفت که بر خود را در زیرین شهر هرات در آید و از زیر
کن در زیران سازد و بگوید که منی دادم و از روح شریف شیخ عبید الله و در حرم میدارم و در حقیقت شایخ
آورده که یکی از پیران طریقت گفت که در سر تربت شیخ عبید الله حدیث دیدم ناگاه سگی پارس کننده در
و در باری قبر هم عبید الله را بعد از آنستاد و بزرگ تمام ماله میکرد و میکرد و باری خود را در خاک فرو میماند
زنان گذشت باری دی خوب شد و بیرون رفت قبرش بر روی درب قبر و زیارت است محمد خجیه باد
و بویسته کار دیبای هرات مثل سید عبید الله و شایخ عبید الله بویسته ماله و دیگر موی در فرود
در حقیقت عبید الله و کعبه عاکفان است **قطب المحدثین** خواجیه ابوالولید بن ابوالرجاء عبید الله
بن ایوب الهروی از بزرگان علمای مازن بوده و در مری راضی و زرقه آرزون که در

مشاهد حرف الهاء

نه خند امرات متعنت در سال ویت و می نه بخت و غایت یافت در قریه آوردن درون کشته و قبر کش
 شهوت و سبب بخت کشت بر سر قبرش کبندی بنا نموده مشهور است بهی مزار فرخانه و نماز خوانده
 و همان شهرت دارد که خود را لا بد مر حبه خوار ترینه زار مسجد محرم میگردد نه درش مزار محرم است
 فرموده و امیر تیمور که کانی ماد ایکه در امرات میبود در چهارشنبه بزرگ و برف و برف و باران یابی شد و می
 هرگز ترک نکرد و حواصی و حواصی قبه اناسلام امرات از زیارت فرار و ضایع کینه یافته مددی باینده لایم حاصل از آن
 جهة العلیة عارف در یازدهم و دهم و آنادی علی بن موفقی البغدادی از کار شایع غرق
 بوده نه و باند انویم می و اقران ایشان مجتهد شته و مشهور است که بغداد چهارم و فتنش در درون بود که
 خانه است که وقع است در غرب باغ سفید و مورخان امرات در ده بدی بود است که جسد در بغداد
 بر سر مال امرات محض مخالفت میواری بودی فراد کشته نه اگر بر یون نقل بر بر بصدقیت توجه نمایند و
 خود علی بن موفقی جسد او در جا که باشد در درش اندام و مظهر بصدقیت است بریده غایت خود نمود
 و که عارف و عابد از جمله قطب محنت و الدین خواجہ رخ بند پوخته قلابه بودی خود بیاد بخت با چمنش
 بر دنیا و اینها نیفتد از اینجه در انویم جریغ بند میگردد شهرت دارد که در امرات مکرر چهار شدی یک کر کوب
 و یکبار نه زبسان کردی محنت یافتی و فیرم ریام میبکس به بخت که شت تار و زی بر سرش خود را
 انصاری که به بر مزار او رفت در وقت که در ده زدن کو رسد دیگر کورن و میر شده که زنی که شد فتنش
 در نه درون شهر امرات نه قریه بجه قضاه و اما مال ملکیت از زیارت مرقد و فیض تمام می یابند
 شیخ ابوالحسن کرتی محدث و فقیه ذراده متقی و حافظ و مر تاض و در کار خود بد مشهور است که
 هشاد نیز احادیث در حفظ داشته و در شال درایت و بیجا و پنج از بخت و بد فتنش غیر متیق است
 نزد ما شیخ ابوالهشام رازی در علم لغت و ادبیات و قرآن به نظیر بوده و در شال
 درایت و عقاید از بخت نیز نکش در مقبره در بیخک و مراد طیبید از فریق تریا که بخرید اینها
 افتخار آل طه و نس ابوعبد الله سید مختار سید و پیشوای شایع امرات بوده در علم
 و معنی به نظیر بوده و فتنش در شال درایت و هشاد و بخت از بخت و کلمات و مکاتبات
 فراوان را نه بد فتنش در کوه شال امرات مشهور از سادات حسنی بوده و بوست مال قبه اناسلام
 بزیارت او توکل جویند و بقاصد حاجات غایز میآید خواجہ عثمان و اولی در فقه و مول
 و غیر و صریح و حکمت و منطق و ریاضی ماهر و هماد شایع امرات از آن استفاده نموده اند و در شال
 درایت و هشاد از بخت و فتنش یافت بد فتنش در مقبره خدا یان اکنون قبرش معین و معلوم است

بابیت ہفتم -

مقتدای زاهد و محدث ابو سعید مهین بن ابی حمزه بوده در حدیثی متواتر و معتبره در علوم
و دین به طول داشت و صفات و کمالات در بیان حدیث در سال دویست و نود و هجرت در فتنه معتبره
در بخت در جوار قبری بسیار از اهلی که قاری و دلدوی بوده اند موصوفه گشته اند چه هم آن عالی
شیخ عبد الرحمن بن محمد طهمانی شهید است که در هجرت سیصد و سی سال در مسجدی در روز شنبه
یکصد و نود و هجرت در آن روز در آن فتنه موصوفه گشته اند و طایفه نامیده شده اند
در فتنه معتبره در بخت نزدیک قبر شیخ ابو سعید مهین است نقاد و فاضل از طایفه طایفه
ابو علی بن محمد از اکابر دین و فضل این نقیصه در کلمات لطیفه سال فتنه معلوم شده
فنا در این قبر در پیش دفن کرده اند فقیه شیخ ابو عثمان مشهور از جمله فرزندان سید
ابو عبد الله مختار بود و در نوشته شوق حضرت حق بکشد و در رعایت آداب غایت راغب بود که مرکز
هرات است و من خود نیز اخذ کجاست که بر او در هرات بود در فتنه در جمعه یاد روزی بر قدم عبد الله
الواحد شیخ محمد بن اسحق از زاده و انقیاد روزگار بود و در اوقات حاجات
مخواند و فتنه سال سیصد و پنج از هجرت در فتنه از ارباب از بلوک انجیل عارف
اسرار و عاشق حضرت کردگار عبد الله عروه با نوع علوم ظاهر و باطن بود و در هرات
پشت و سال در روز و در آن دیانت که رانده و فتنه سیصد و یازده از هجرت در فتنه در بخت
شیخ محمد بن عثمان دادانی در علم و ادب مقام پر شده و فتنه سال سیصد و بی فتنه قبر پدر
در سبزه خیابان است واقع گردید امام متوجه مجتهد ابو علی حامد بن محمد مجموع علوم متقول
و معقول بوده و پس در آن فتنه مشغول و در نزد فاضل و عام مقبول بود و فتنه سال سیصد و پنجاه و هشت
در فتنه در آن شهر هرات مقتدای زاهد و عبد حامد بن ابو احمد شیار که
از کار حکما و فقه و تفسیر حدیث بود و صفات بسیار دارد و فتنه در سال سیصد و پنجاه و هشت
در معتبره در بخت قطب محمد بن شیخ الابدال ابولیت قوشی از عرفا بوده در
طبقات خواجه انصاری مشهور است که پیوسته بای برهنه در خرقه زودیده راه میرفت یکشنبه روز
منزل میکرد و نیز فرد و جید که در عالم را قدم زد سال و فتنه معلوم است اما در فتنه در معتبره که محل طایان
مشت و در آن فتنه فیض از زیارت تربت از نیمه با تر دانه افطاب همچنان در میدان آورده اند
و هر که را اندک صفای باطن باشد زود یابد که چه مقدار فیض و حضور در جابهم میرسد

1997

مشاهد حرف الهاء

۷۰
 خواجه محمد قنار هروی الشیرازی که اندک شیخ زاهد متوجه دین کارزار بود و غرض مدت شیخ بود
 و شیخ پوشیده تا ریخ فغانی معلوم کنی در آن قرن و غرض شیخ معلوم و در کتب فخری در زبان معروف
 و مشهور است از گزارش بسیار فیض یافته اند شیخ فرید محمد بن ابوالعباس عروانی
 خواجه غازی قدس سره در مصنفات خود گوید که بزرگان دین بود فخری در عروان لذت که از آن
 مذکور الشایخ و المحققین خواجه ابو زید بن محمد غری از کار او بسیار بگفت
 و عین بود در علم فقه و در مع کمال مقام داشت و کرامات از او ظاهر میشد مدفن در آن
 شهر است در غری مسجد آیین و قبر و مراد معروف مشهور است شیخ ابو عبد الله العیسی
 که بزرگان شایخ هرات بود در آن شیخ معروف بود با یکدیگر شیخ فخری تمام اهل هرات بر او بود مدفن در
 طغان باینست معروف مدفن مشهور دارد خود انصار هرات زیارت قبر او میرفت و بهر حاجت
 که زیارت او کنند مقصود حاصل است شیخ الموحیدین قطب الحق و الدین شیخ قریح الهروی
 در قریه قریح شیری باصلابت و شکوه بود و فغانی سال سید و شناسا و مشهور فخری در کارزارگاه
 شیخ ابدال العارین کل الحق و الدین خواجه حیریه از کار اقطاب از دلی هند و سنجاب
 الذخیره بود و خواجه انصار از دی کرامات نقل کرده فراد در کارزارگاه است بالاتر از آن شایخ
 از طرف شمال باینست در بطن شایخ خواجه طاق ابو عبد الله محمد بن فضل الله
 الهروی در علوم شریعت و حکمت و حقیقت استاد علم نفوس بود صاحب کرامات عایه بود و فغانی سال
 چهار صد شانزده بود مدفن در مقبره در شب شد از طرف جنوب فغان سید انار است بر گانه بر سر راه
 کناری ساخته همواره زیارت میرفت شیخ ابو عبد الله محمد بن الیمان محدث زاهد زبان حدود
 و فغانی سال چهار صد شانزده از هجرت مدفن در هرات است شیخ محی بن عمار سجستان بزم و یاد
 و صاحب علم بود در فغانی سال ایشان را ارشاد و بیت فرمود در تربیت خواجه عبد الله انصار که شیه
 و با صاحب حدیث است که می دارد عبد الله انصاری را که او سر آمد در کار خود خواهد بود و فغانی سال چهار صد
 بیت و از هجرت و مدفن در مقبره خدا این است خواجه عبد الرحیم دست یلان از است دان خواجه
 انصاری است و از بختانات و ذوق محرم و البیان است مدفن در کت یلان میان زیارتگاه و مرغاب
 شیخ البکیر ابو اسمعیل احمد صوفی المشهور شیخ عموی از مشهور الشایخ غری می گفته در علم

بابیت مقم

سکوت و فقر و موت کمال بود منزل از منزل و شهرت و ثبات آنجا که کون خاندانی چون ندر کینه مرشد
 بخت و خرد و ام القیوم و نام بیل بود عمرش و وفاتش سنه ۴۰۰ و صد و پانزده و یک از هجرت قمری در کربلا
 شهرت نزدیک را با و مسجد جامع که در قبه بنام بوده که در ایام سلطنت امیر تیمور مرحوم بود. بن الدین
 خانی بنیاد تجدید آن بنا فرموده و دیگر بنیاد آن مسجد کعبه. انام مبط ایخرو برکات اعنی سوره
خواججه عبدالنصاری پیر مرآت کال تشریح رسیده که شرح او را توان گفت و در کهنه
 مرآت منتهی شده چون بنیاد آنجا که رسیده و غایت اشتغال نمود بخت و مرآت رسیده و در
 مقصد فقر و صحت رسیده و صفات نفی و در علم نشاء و در و تربیت از شیخ ابو الحسن جعفری یافته و در
 اگر خود را ریاضت و ادکا صرف در کمال و ناول میکرد و دشت زیر پیرینه ها و دفتن خود را با بیستم
 بیت دوم از هجرت سال چهار صد و هشتاد و چهار و بنیاد بقعه او تاریخ بهشتی و دوازده هجرت خاندان
 عمارات علمای بنام رسیده و هر شب زیارت را بر او میرفت ال مرآت بهر قدرش توسل میجویند و بمقام
 دین و دنیا میرسند و نه الوان در آن موضع مغفرتی بسیار است شیخ ابو جعفر خور و دانی
 پیر کمال و صاحب کرامات و بیاد او است در قفس و مرآت است از بزرگ که از راه خطیب کورن
 بسیار مجاهد و تراش بود قبرش در کورن است **امام ابو سعید مالک** در علم و احادیث
 است و خواججه عبد الله بود قمری در زیارتگاه شهرت است شیخ ابو منصور سحر و حقه صاحب فضل و کمال
 و از باب جد و حال بود قبرش در خدیان است **شیخ ابو الهادی خلف صدق** خواججه عبداللہ
 علم ظاهر و باطن آراسته و برع و تقوی شهرت داشته و فقی که باطنیه و ملاحده و بدنه همان برین
 استیلا یافته و تفرقه باور ساینده تا آخر در کهنه بکشته در میانجا مدون ساخت و بعد از
 چند روز در آن قفسه تسکین یافت از قبرش بیرون آوردند و بجای بارگاه در پیش روی پدرش رکعت
 دفن کردند و الحال قبرش ظاهر و برین است **دیگر قطب القدر سلطان الدقیق** **سید محمد الدین** عالم
 در طریق و کمال و تجربه یکانه عهد خویش بود و در ملک اولیا معدود کشته و کرامات غریبه از او نقل
 کنند **امام فخر الدین رازی** پوخته زیارت قبر او رفت و قفس در اندرون شهر مشهور است و عمارت
 بر سر قبر او ساخته اند و دفاتر معینه هر سال دو نوبت که بفرقه الاسلام ترددی بود تا بنجای شریف

شاهد حرف الهاء

شیخ **عبد الدین کرمانی** در مرآت قمری بیکه زانید تا وفات یافت سنه ۴۰۰ و صد و پانزده و یک از هجرت قمری
 در قفسه در قمری در بخت و ثبات آنجا که کون خاندانی چون ندر کینه مرشد
 بخت و خرد و ام القیوم و نام بیل بود عمرش و وفاتش سنه ۴۰۰ و صد و پانزده و یک از هجرت قمری در کربلا
 شهرت نزدیک را با و مسجد جامع که در قبه بنام بوده که در ایام سلطنت امیر تیمور مرحوم بود. بن الدین
 خانی بنیاد تجدید آن بنا فرموده و دیگر بنیاد آن مسجد کعبه. انام مبط ایخرو برکات اعنی سوره
خواججه عبدالنصاری پیر مرآت کال تشریح رسیده که شرح او را توان گفت و در کهنه
 مرآت منتهی شده چون بنیاد آنجا که رسیده و غایت اشتغال نمود بخت و مرآت رسیده و در
 مقصد فقر و صحت رسیده و صفات نفی و در علم نشاء و در و تربیت از شیخ ابو الحسن جعفری یافته و در
 اگر خود را ریاضت و ادکا صرف در کمال و ناول میکرد و دشت زیر پیرینه ها و دفتن خود را با بیستم
 بیت دوم از هجرت سال چهار صد و هشتاد و چهار و بنیاد بقعه او تاریخ بهشتی و دوازده هجرت خاندان
 عمارات علمای بنام رسیده و هر شب زیارت را بر او میرفت ال مرآت بهر قدرش توسل میجویند و بمقام
 دین و دنیا میرسند و نه الوان در آن موضع مغفرتی بسیار است شیخ ابو جعفر خور و دانی
 پیر کمال و صاحب کرامات و بیاد او است در قفس و مرآت است از بزرگ که از راه خطیب کورن
 بسیار مجاهد و تراش بود قبرش در کورن است **امام ابو سعید مالک** در علم و احادیث
 است و خواججه عبد الله بود قمری در زیارتگاه شهرت است شیخ ابو منصور سحر و حقه صاحب فضل و کمال
 و از باب جد و حال بود قبرش در خدیان است **شیخ ابو الهادی خلف صدق** خواججه عبداللہ
 علم ظاهر و باطن آراسته و برع و تقوی شهرت داشته و فقی که باطنیه و ملاحده و بدنه همان برین
 استیلا یافته و تفرقه باور ساینده تا آخر در کهنه بکشته در میانجا مدون ساخت و بعد از
 چند روز در آن قفسه تسکین یافت از قبرش بیرون آوردند و بجای بارگاه در پیش روی پدرش رکعت
 دفن کردند و الحال قبرش ظاهر و برین است **دیگر قطب القدر سلطان الدقیق** **سید محمد الدین** عالم
 در طریق و کمال و تجربه یکانه عهد خویش بود و در ملک اولیا معدود کشته و کرامات غریبه از او نقل
 کنند **امام فخر الدین رازی** پوخته زیارت قبر او رفت و قفس در اندرون شهر مشهور است و عمارت
 بر سر قبر او ساخته اند و دفاتر معینه هر سال دو نوبت که بفرقه الاسلام ترددی بود تا بنجای شریف

مولانا شیخ عبد الرحیم مجتهد خانی الشہر تسلیم از تہذیب دین و اعتدال صدق
 از اقران شیخ علامہ الذولہ سنانہ شیخ قطب الدین جامی و شیخ محمد خلوئے خوارزمی شیخ قوام الدین
 بطای اصلش از مآثر آباد خافستہ و حقہ شہادتش بر اسطہ مخالفت عوزیان بالہوک
 مشہورست الفقہ خود را فدی تل ہرات کرد در سال مفتقد و سی شت مغول شد قبرش
 در خیابان معروفی ظاہرست و زیارت مرقدش مجرب مراد منہ است مولانا شیخ محمد
 ظہیر الدین شیخ الاسلام غوری در عزت و تہذیب و عزم و ہمت و کرم و ہمت
 و مرجع الکریمت مفتفت فہت فہت کہ دارد اگر حفاظ و قاریان خراسان قرائت کلام
 از آن اخذ کردند و سلسلہ نشین باو بکر صدیق میرسد دن تش تسبیح و تلاوت و تسبیح
 مدفنش در جنب پرتسلیم در مقبرہ خیابان است ابوالفرح شیخ قطب الدین یحیی
 جامی لفظش از جام دل داشت در دنیا بود و در دنیا در ہرات یافتہ معلم فقہ و تفسیر را
 در نزد پدر خود شیخ ابو الفضل خواند با شیخ علامہ الذولہ سنانہ و شیخ صفی الدین اردبیلی
 و شیخ شرف الدین در غزنی و جمال الدین عقی مصعب و صاحب بود و ہفت فہت فہت
 دن تش مفتقد و چہل زنجیر مدفنش پر در آباد و در خانقاہی کہ مراد الدین ابو الجبر کہ
 بچہ وی بنا فرمود باشد شیخ قوام الدین بطای صاحب فضائل و کرامات عابد
 در سال مفتقد و چہل زنجیر متوفی شد در خدایان در خطیرہ امام خوارزمی لہذا دن
 کردند مولانا جلال الدین محمود زام مرغابی از اکابر عصر و یکانہ دہر و عالم علوم
 ظاہرہ و باطنیہ بود از دی شکافتہ کرامات نقل میکنند دن تش سال مفتقد و چہل زنجیر
 و ہفت مدفنش در قریمہ غائب مشہورست مولانا شیخ محمد الامام فی قاضی القضا
 مکت ہرات و خراسان بود دن تش در سال مفتقد و ہفتاد مدفنش در مقبرہ نقصا
 در اندرون خطیرہ خواجہ انصاری واقع است شیخ سیف الدین خلوتی
 کرامات بسیار از دی منقول است دن تش سال مفتقد و ہفتاد مدفنش تراز خلوتیان
 قرب بل کاز کاہ واقع است احمی محمد و احمی محمود سزان صاحب وقت و مجذوبان
 عالی دہدہ اندر کس بدین ایشان میرفت مانہ اہل ہریشان را بکشد مدفن احمی محمد

شاہد حرف السماء

در مقبرہ میان ہلوی در تہذیب و عزم و ہمت و کرم و ہمت و کرم و ہمت و کرم و ہمت
 در دیش سافر در تہذیب و عزم و ہمت و کرم و ہمت و کرم و ہمت و کرم و ہمت
 در خطیرہ سعادہ کہ از سباط عمر بن عبد المطلب است محازی در تہذیب و عزم و ہمت و کرم و ہمت
 سید برکان الدین اشرف مبارکشاہ فضل و فہم خود بدست شد سال در طرقت مدنی و
 در سال مفتقد و ہفت دن یافت قبرش در مقبرہ خیابان است مولانا ہشام الدین محمد بن فہیم
 دن فضل و وفاتش سنہ سبع و ثمان ہائہ و مدفنش اندرون کینہ سیدہ اداست بر عبد اللہ در خرم و ہمت
 خواجہ عبدل مصری از مستغنیان اولیاد و اکابر انقیاد و ہمت و ہمت و کرم و ہمت و کرم و ہمت
 و زیارتش عظیم و فہم و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت
 خواجہ محسنی در عصر خلیفہ عبد اللہ انصاری بودہ و کسی از حال او و وفاتش نہتہ از وفات کرامت
 آشکار شد مدفنش باروی در بفتحق و محمد غلیبان آستانہ مرادات است مقام اولیائہ
 مسجدی است مشہور مسجد چہار تنہی در گوشہ آن مسجد از جانب جنب ظاہرست جمعی از اولیائہ و ہمت
 مقبرہ و بان خانہ کسی میرد و فہم و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت و ہمت
 مشرف بود و آستانہ مرادت خواجہ نور و در احمی جامی چہنہ مسجدی است کہ اور مسجد کینہ مسجد
 و بہ ہلوی او مراری است کہ خواجہ نور مشہورست بہ ہلوی جامعہ شمع و نذر آغا میرد و در کتب در المنجد
 نما حاجت گذاردن و مراد طلب کردن و بقصد رسیدن از مجربات است کونینہای آن مسجد چہار ہزار
 و پانفہ سال است شیخ زین الدین خانہ معتقد بودہ بکف در این مسجد بطریق مختلفہ و ادیان مختلفہ
 طاعات و عبادات خدا را تقدیم رساندہ اند در اینجا فیض تمام بخوام و عام و صل میرد خواجہ
 امانت دار مشہورست قریب جدب فیروز آباد از قدمای شیخ ہرات استہ او ہمت از آن اثر
 تمام دارد خواجہ مراد بخش در محدہ قالی بان قریب س عرق است خواجہ چہا شہنہی
 در محدہ برلانہ قریب سمان اسپر غازی در محدہ غازیان قریب بعراق مراد خیل و خیر
 در محدہ کلا متصل بغیل شہر خواجہ مظفر در طرف جنوب مسجد خانہ خراب است و در خانہ دو قبر
 ظاہرست از دو مزار یکی خواجہ مظفر شہید است مراد شہیدان و در یکی شرف مسجد قریب آغا شہر
 مشہورست آچہ و پاچہ قریب فیروز آباد و مرادات متصل سکہ کیز و دیکر محل مراد طحا یا مرادات

بی بی نور در محدثان در جوار مسجد عالی و زیاده به بخت میگردید بلالان بنا کرده است
 شیخ محمدی در اندرون در داریه پنجاق در جوار خی زکریا شیخ محمدی **مزار شهید**
 بر شال جای مسجد است در دیوار آن مسجد آمده فون اند **مزار طفلکان** طفل
 آنجا دفن اند در میان درب فیروز آباد در بخش **خواجه خواش** از قریه شیخ
 دفن در محدثان است **مزار سادات** کنیدی است قریب محدثان و در قریه
 موجود است و از کبار سادات بوده اند و اما جمعی که در ظاهر است و بلوکات
قریب شهر در رده اند بعضی از ایشان در طبقات خواجه عبد الله انصاری بنظر رسید
 ذکر شود **خواجه نکات** نزد اهل مرات چنان شهرت یافته که کاتبی آسمان بوده اما
 در کتب محدثان او را از جمله کتب دمی نوشته اند شاید که ارکاتان خلفاء را شنیده
 باشد و دفن در محدثان از باغ رنیده واقع شده کنیدی در ستریت ساخته اند **خواجه**
 کله مقدس در دیون مرات میان درب ملک و درب عراق مقدس است **خواجه یافته** ری
 قریب حمام سلیمان در اندرون دیواری که متصل راه کوچه باغ راغان است **خواجه صمد**
 در پشت باغ راغان است **خواجه بنویش** در محدث کنیکی بر کنار خندق در رب عراق
خواجه مردار بر کنار خندق در رب عراق در پشت ساریت محبده واقع است **خواجه فراد**
 بخش بر کوچه باغ رنیده از آن راه که بدرب عراق میروند و دفن در کنار راه واقع شده
 سید محمد مغربی در قبرستان غریبان در شرق باغ رنیده واقع است از مشاهیر مزار
 میباشد و فضیلت متواتره از فراتر کش بر زبان است **خاک صندوقی** بر کوچه
 که نموده میروند میان درب عراق و فیروز آباد مشهور است **خواجه مراد بخش** در زانی محبده
 در اندرون محوطه قریب است **خواجه مراد بخش** مشهور شاه ابوالغیت از بزرگان دین
 بوده مقدس بر بلندی واقع شده بر کنار راه بر جنوب در بخش و مسجدی در نزدیکی او بنا
 کرده اند بوسته در ویشان پوخته فقراد و اولی و کجای در آنجا بر رده اند و شیخ زین الدین
 خان مکر شهبای جمعه آنجا رفته و مریدان و خواص خود را بر زیارت او تحریص میفرمودند

۱۱۲ **مزار فخر نانی** از جمله اعیان بوده و دفن در دیون در بخش میان بازار مقدس بر راه در بخش
 و خوارق و عادات از وی نقل کنند **مزار دختران** در دیون در بخش نزدیک کاروانسرا
 خانه شکی است و چند قبر متصل یکدیگر واقع میگردند و از دختران صالحات بوده اند که از خوف شر
 با آنجا نه رفته اند ناپیدا شده اند **سید محمد ماه روی** از اعز اولی بوده و دفن در
 سرمدان نیز فرودشان متصل همین مقبره دختران و اهل مرات آن مقبره باز است تمام دارند
خواجه و شنانی در زوای باغ سفید مسجدی و دیگری نزدیک آنجا ساخته اند و شهرت تمام
 دارد و بسیاری از صاحبان زیارت میفرمودند و بمیراد و مقصود میرسند یا با محبده
 دیون در بخش آنجا مستقیا آب بر میدارند از مشاهیر مجانبین بوده و خوارق و عادات
 از آن بسیار ظاهر شده مولانا حاجی ابدال مجذوب و بر طریقت بود و هر چه
 بر زبان او گفته شد آینه بهان شدی و دفن در بازار در بخش مقدس است شیخ منصور
 عمار از اکابر علماء و افاضل قدما و ائمه دین بوده و کمالش بدرجه بلبلار رسیده و دفن
 کوته میدان سعادت متصل باغ اخی زکریا **خواجه آدینه** علم ظاهر و باطن آراسته و مجمع
 صریح و معنی بود و دفن در حوض چهار باغ قریب مقبره طاق مقبره **کازرگاه** چندان اکابر
 و اولیاد قطب در آنجا دفنند شرح نموده اگر محمد بن مبرورده اند که چهار هزار و یک در کورستان کاروانسرا
 در قریه **مزار مفتی** چاه شش مقدس خواهد بود و مفتی چاه در جوار خواجه انصاری واقع است
 اهل مرات بعد از زیارت **خواجه** با آجا میروند و مفتی فوت کرد و میگردند و بر سنگ بر زبان میگویند
 میخوانند در آنجا میزنند **امام محی** است چون از شهر دیون رفته در کورستان خدایان بر دست
 رات نزدیک مقبره معماران **قبر سرخ** در کوی است متصل به بند قارون علی مشهور و صورت
 قری در آن ظاهر است **بابا موزی** مجذوب از بزرگان مجانبین بود در ایام ملوک که کورستان
 رسیده و حکایت غریب و عجیب از وی نقل کنند در مقبره خدایان است **خواجه ابو الولید**
 در کوچه شادی پر بر طرف شمال باغ راغان متصل به راه که از دست رات میروند مزاری است
 بر بلندی واقع شده **خواجه ابو العلا** در خارج کینه خواجه ابو الولید از جانب قبله هر دو از
 بزرگان اولیاد بودند **پیر سرخ** از کبار در ویشان دفن در قریه بر زبان از بلوک گذاره

صدق و عین بوده اگر علمای مرت در علم متون مقبول شاکر داد بودند مفسر در خیره فخر الدین
 مولانا عطاء الله بحال علم و تقوی و فضل شته داشت و ثمانی شهر بود و بی شکر بود
 مفسر در خیره امام فخر الدین ری مولانا ناصر الدین کوری از متقیان
 روزگار بد فقیر متقی و واعظ بود مفسر در خیره مریهت سید یونس
 از اعیان سادات شرف و محدث بکانه و فیض زمانه بود مفسر در خیره فخر الدین مولانا
 شیخ جمال الدین ابو جحش شادی از قضاة و کار علم و فضل و فقر و سواد
 بزل وجود و کردار در کمال شته بود عمرش شصت و سه سال شته و بیست و هفت مفسر
 در خیره شیخ اسد خواجه عبد الله الفیاض شیخ قوام الدین تبریزی در قرن
 بخیر و در کمال و تقوی بکانه عصر بود و پیوسته با و داد و کار را نوره قیام داشت و فاته مفسر
 سنه ثمان و عشرین و ثمانمانه مفسر در طبرین زیارت خواجہ ابوالعباس احمد در حرم انوار الجبل رفته
 ره و اقامت مولانا جلال الدین واعظ از فحول مسکن بود و بیست و یک
 بر پیدمان شغال داشت و تقیری در زینت جامع جمع کرد و نیکو عمر شد چنانکه در
 آخر از سخن گفتن بازمانه در سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمانه از دنیا رحلت کرد در محرابی
 کازرگاه که تبل کعبه شته است مدفون شد شیخ عبد الله خلوتی برزورانه و صفا
 بوده و در خانقاه خلوتیان بد کوسلوک مدهای مدید گذرانیده و در سنه ثلاث و ثمانین
 و ثمانمانه از دنیا نقل کرد و در خیره خلوتیان میان درجی مدفون است مولانا
 رکن الدین خوانی بعلوم ظاهر و باطن آراسته بودیم الا حد سابع عشرین و ثمان
 سنه اربع و ثمانین و ثمانمانه بکار رحمت سوت و در اخرون خیره شیخ الاسلام افشاری
 در پیش روی مفسر مدفون گردید مولانا فیض الدین علماء الغوری
 از متقیان زمانه و مدهای برات بر مدها فتادی و احکام شرع باوی بود پیوسته
 نبش علم مولود و فروع اشغال می نمود و در عزیزی از شهادت گذشت و در سنه سبع و ثمان
 و ثمانمانه فوت شد مفسر در خیره خواجہ افشاری در پایان فرا از اجابا واقع شده

مولانا رکن الدین بطامی خفص صدق شیخ شهابی بکانه روزگار و معلوم حاکم و باقی
 آراسته بود و فاته ثمان و ثمانین و ثمانمانه مفسر در خیره امام فخر الدین در جنب قبر پدر خود
 شیخ کامل ربانی شیخ زاده شکیبانی از خیره از بنیان محمد بود و سواد و
 کسبه و در علم کرم و سواد و سبکت و فاته ثمان و ثمانین و ثمانمانه مفسر در خیره شکیبانی
 سر و دست سید علی شرفانی آن سالک بکانه آن کامل حد از زمانه و از تقوی
 و مجاهد بود و فاته سال طاعون سنه ثمان و ثمانین و ثمانمانه مفسر قریب آید در خانه و بی
 از خود عمارت کرده بود شیخ زین الدین خوانی از افاضه بر شین و از عالم
 مرغانین و سالکین بود و در قطع و قطع لانه بهمان کوشید و بسیاری ولایت را یافت و در
 نصایف و مکاتیب در ساله او در میان است و از خافض عام مرید بسیار داشت اگر اوقات
 در مشاهد مقدسه بر میزد و در اواخر حال کوشه بری در کوی که در نواحی که آره بود بری بر دور
 باحت و رویش از نام مکرر بار بیهوش و عمرش از شهادت گذشت بود و سال طاعون سنه ثمان
 و ثمانین و ثمانمانه فاته یافت و در محل دفن او در جوار عیدگاه است مفسر شیخ ابو سعید
 کازرونی فقیه و مفسر و محدث در راه و متقی بود و در سال طاعون در هرات فاته یافت و مفسر
 در خیره خواجہ افشاری جمال الدین محمد بن عبید الله قاضی و فاته ثمان
 سنه ثمان و ثمانین و ثمانمانه مفسر در خیره جعفریان خرب سجد جامع که در آن قریه جده
 بنا کرده اند شیخ محمد بن مولانا سعید زانی عالم و فاضل و خلیق و کرم و بکانه روزگار بود
 عمرش قریب به شصت و در سال طاعون و فاته یافت مفسر در خیره خواجہ افشاری
 در مقبره قضاة امام مولانا نور الله الخطیب انوار زنی از قهرمان علماء از متقیان
 فضل بود و در علم فروع و اصول و حکمت و ریاضی دینی فنون بود و در علم و خطابت مسجده جامع با
 آنجا بود و در سال طاعون و فاته یافت مفسر در خیره در جوار خواجہ افشاری متفضل بقبر
 فیض الدین علاء واقع است درویش محمد لواف درویش سالک و فاضل و ناکت دنیا
 از طریقی نهان و از اوقات در اعکاف و در ریاضت بود و کلمات و خوارق عادات از آن بسیار

شاه جوق السماء

عمرش مبتدا رسیده و در سال طاعون ده شایسته داشت و در خضره خلوتیان است سید زین العابدین
از افضل بزرگان بود آخر عمرش در میان کربلا و کربلای معلی بود و در کربلا شایسته داشت و در کربلای معلی
تقیان یا باذکر یا مدوین مجتهدان حق داشت و در خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
شاکر سید شریف حجازی دارای علم مقبول و مقبول بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین
مجتهد و جامع الوجود و مجتهد و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
و ساکت و تراش بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
و زاهد و متقی و خوش خلق و خوش صورت بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
مولانا سعد الدین کاشغری از کابر اولیا، آه بود و بطریق خواجگاهها و از سید عیاش
میفرمود مستوفی جمیع خاص و عام بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
مجتهد و عارف با مکتب نظرش حکم گویای احمد داشت کشف مغیبات میکرد و فاش میساخت و سبب
دشمنان و دشمنی در خضره خلوتیان میان درجی مولانا یا زید پورانی بطریق شده و از کربلا
و برنج محاسبه کار میکرد از این قبایل و منقبت حسن خلق و جوهر کرات او بحال بود و عمرش نود و سه سال
اشنین و سبب دشمنان و فاش داشت و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
مولانا شیخ محمد المشرقی حاجه کوسوی از اقطاب روزگار و شاخ بار و صاحب کشف و کرامات
و شهید و عارف بجهان قرآن و حدیث بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
و فاش داشت و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
در جوهر غری و واقع است قاضی محمود امامی از کابر اولیا و سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
قبایل و نواح و خلیفه تابع پدر میر سید احمد کبریا می باشد و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
و دشمنان و دشمنی در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
کرم بود و سخنان طبع سلیقت و فاش داشت و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
محمد جاجرمی از فحول علماء و اعیان فضلا و استاد فحول خراسان و کامل و مبتدی بود و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
تدریس میفرمود و عمرش از شصت و نه سال و در کربلا و خضره خلوتیان است سید زین العابدین مولانا سعد الدین قاری
زین الدین خان در جوهر عید نماه

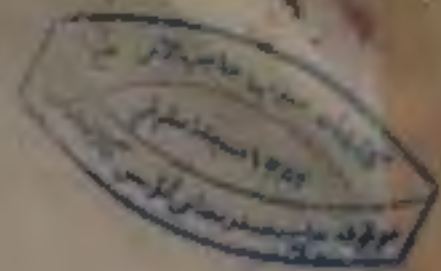
و سيد غياث الدين محمد و ايشم الدين شيرازي و اير صيل الدين شيخه دهنه
 اندك و السيد جمال الدين علاء الدين محمد بن شيخ البرزاي در مدرسه سرفه سنهايه در قزوین
 خان حضور مدفون است و السيد نظام الدين شهر محمد خواجه بن مولانا خواجه احمد
 صاحب شرح اربعه ابواب و تاريخ تولد و وفات او در اين نقطه اشعار شده نظم شيخ علم خواجه
 عبدالله انصاري كه او منظر قطعات علم از قرآن با قدران سبصد و پنج و نود سال آه اندر وجود چو در
 در چارصد منقاد كفت از جهان و پير محمد خواجه ابو الوليد احمد غرارد در قدس صاحب تقدير
 كنجت و شيخ عبد الهادي خلف خواجه عبدالله انصاري و مناضل باغ صابرين الدين
 اصغهان كه در سنه هفتصد و شصت و شش وفات يافت مولانا فيض الدين منفي از قزوین و جامع از بين
 در غرارد خواجه عبدالله مدفون است و شيخ فرید الدين لقمان زاده شيخ ابو سعيد ابو بکر الحكيم
 الماهر ميمون بن البخت الواسطي المعاصر لابي علي بن سينا ذكره النهر
 في تاريخ الحكماء اقل كان طبيا فضلا حكما انه كان يحفظ المنطق و الطبيعيات و الاصول
 من الشفاء و قيل كان واسطي الاصل خوفاً الولد فيما بهمة اليوم الوفه حتى توفي
 فيها و حافظ غياث قدوة ارباب عرفان و عهده محمد بن بود و فاش سه ستمين در
 غرارد شيخ بهاء الدين محمد مدفون است و شيخ صوفي علي در خطبه خواجه جمال الدين
 در سرخاين مدفون است و خواجه فضل الدين محمد مولانا شمس الدين محمد دمي
 در كازگاه سرات نزك مير خواجه انصاري مدفون است و نور الدين عبد الرحمن جامي مدت
 ششاديك سال عمر كرد و در عهد سلطان حسين بانقرا و اير عليش بود و فاش در تاريخ روز جمعه مسجد محرم
 سنه ثمان و شصت و ثمانا قهروي نمود سرات پيش مني قبر سيد الدين كاشغري مدفون است مولانا
 اير جمال الدين محمد و شمس الدين محمد سقدي و شيخ نجم الدين و خواجه غياث الدين
 محمد و از زاده و اير صدر الدين ابراهيم و نور الدين محمد و خواجه شيخ بايز
 مولانا قطب الدين لاذر و سيف الدين احمد تقطاري و شيخ جمال الدين ابو زيد نوران
 و اير سيف الدين و قاضي صدر الدين محمد اماري و قاضي اختيار الدين

صبر و یوم نیا ربیعہ بن الحارث بن ازیل
سیاح مومنین

قاضی محمد بن ابی طالب
 در روز بیستم
 رجب سنه ۱۰۰۰
 در شهر تبریز
 در محفل
 قاضی محمد بن ابی طالب

مجلس اول

فصل في بيان ما يجب من العلم والادب



باب بیستم

عبدالله بود امام و خلیفه قرار دادند و حال آن بزرگوار در میان مردم شهر و در فضل و کمال علم و زهد و تقوی
 و دیگر کز در هیچ خلق قرار نیکوت و بیشتر در بابا نهاد که هستان پس بر سر در و صلیا علی محمد الله
یسوع نیز در دنیا در کتاب و کلام و احوال و از فرقه مذکور الیه و در چهار مرتبه است برین صوب
 وادی خبطه و فرسخ قریه جدید و در فرسخ نازیه و فرسخ مرینه نوزده یازده فرسخ از یسوع الیه
 سنی است فرسخ است و الیسع بالفصح و السكون قریه کبیره بها حصن علی سبع مراحل من المد
 نقل الله لما قسم رسول الله الفیاضیه علی ارضانا حصن عینا فخرج منها ما ینبع فی
 الماء کهیثه عن البعیر فتماهای بنبع **مقدمه الطرف** بن علی ابی طالب
 در یسوع است متضاد سال از فرسخ گذشته بود در یسوع و فاشیت و در آنجا نیز مذکور است
 انجابت توصیف و تعجید و بعضی یسوع و کذب میکنند چنانکه سالم بن قنیه بعد از وفات عمر بن علی بدین
 اورا مرثیه گفت **صلی الله علیه و آله** علی قبر یسوع من نزل الوضوء علی حذر من سئلا قد کف الکرمهم
 کفاد الکرمهم علما و ابرکهم حلا و تحلا جماعتی کونید عمر کبر بلا رفت پس از شهادت امام حسین گفت
 من مردی با خرم بوده ام که اگر کبر بلا بر من کشته بشدم و کردی کونید عمر کبر بلا با حسین علیه السلام همراه بود
 در شب عاشورا فرار کرد در جوی این منزل گرفت بنابر این اولاد او را جوی خوانند این درست باشد
 بلکه این وقت در کعبه بود با عبدالله بن بریر العوام بیعت کرد بعد از او با عجاج بیعت کرد بنابر این فرزندان
 او را جوی خوانند و در صحاح الاخبار ان العمر بن علی بن ابی طالب آخر من مات من نسل الامام
 علی العقیب من رجل واحد و هو محمد بن علی بن ابی طالب بنو الایله و منهم الشریف نقی الطایف و له بقیة
 بسواد البصر و منهم علی الطیثیخ ابو طالب و بر یسهم بمصر و لهم الاطراف اعقاب یسوع و حمران
 و واسط و المین و طبرستان و الهند و ملتان و السند **یونان** شبه جزیره است در کنار
 بحر اقیانوس کثیری است معروف و اهلش بر تربیت و فهم و ادراک حروف آری و مایش متوی در آنکه حافظت چنانکه
 مشهور است تجار بهان گاه بر کنند فراموش کرده ایشان بخاطر آید و مکانی فلا سف و فضوی مشای و اشراف و کلین
 از آنکه یار ظهور کرده اند و از طایفه کس مسلم اول است و علم حکم را او را کرد از اهل یونان است در فیلست حکای زیبا
 احادیث نری بسیار است از تعجید ان البقی از اهل واحد امن آهله قال له امر سطوط الیه
 الامة و ذلك و صف له بالعزفة و روی ایضا فی بعض الکتاب ان عمر بن العاص قدیم من الاسکندریة
 علی رسول الله فقال یارسول الله رأیت اقواما یتطیلون و یجتمعون حلقا و ینذرون و یطالون الی الله امر

یسوع

بر نسل امام قریه است از بول
 از شش مایل قریه و طبرستان
 واقع است چون در راه
 امام زاده که نام کی امام
 از وی و دیگری امام زاده
 و النقی از اولاد حضرت
 امام رضا علیه السلام درین
 سوریه یا قسطنطنیه بلوک
 با امام گفت و او را
 امام زاده کان کبند و صحن
 و طاق و در آن است
 ص

یونان

یونان
 شبه جزیره است در کنار
 بحر اقیانوس کثیری است
 معروف و اهلش بر تربیت
 و فهم و ادراک حروف آری
 و مایش متوی در آنکه حافظت
 چنانکه مشهور است تجار
 بهان گاه بر کنند فراموش
 کرده ایشان بخاطر آید و
 مکانی فلا سف و فضوی
 مشای و اشراف و کلین
 از آنکه یار ظهور کرده
 اند و از طایفه کس مسلم
 اول است و علم حکم را او
 را کرد از اهل یونان است
 در فیلست حکای زیبا
 احادیث نری بسیار است
 از تعجید ان البقی از اهل
 واحد امن آهله قال له
 امر سطوط الیه الامة و
 ذلك و صف له بالعزفة و
 روی ایضا فی بعض الکتاب
 ان عمر بن العاص قدیم من
 الاسکندریة علی رسول
 الله فقال یارسول الله
 رأیت اقواما یتطیلون و
 یجتمعون حلقا و ینذرون
 و یطالون الی الله امر



